

بررسی مقایسه‌ای منطقه‌گرایی در آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس

علی صباغیان*

احمد رمضانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱

چکیده

منطقه‌گرایی به‌عنوان پدیده‌ای نسبتاً جدید بعد از جنگ جهانی دوم پا گرفت و به تدریج در بخش‌های مختلف جهان گسترش یافت. این پدیده اکنون در مرحله اوج خود به سر می‌برد و کشورهای مناطق مختلف را با اهداف گوناگون به هم نزدیک کرده است. دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی را می‌توان برای اتخاذ آن به‌عنوان سیاست آگاهانه کشورها ذکر کرد. دو مورد از روندهای منطقه‌گرایی در جهان، منطقه‌گرایی کشورهای آسیای جنوب شرقی و تأسیس آسه آن و منطقه‌گرایی کشورهای حوزه خلیج فارس و تأسیس شورای همکاری خلیج فارس است. مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که اهداف شکل‌گیری و روند توسعه همگرایی منطقه‌ای در دو سازمان آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس چگونه بوده و چه مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد؟ با کاربست روش توصیفی-تحلیلی در پاسخ به پرسش اصلی و با در نظر گرفتن مفاهیم تهدید امنیتی (رهیافت واقع‌گرایی) و همکاری اقتصادی (رهیافت لیبرالیسم) فرضیه مقاله بر این استدلال تکیه دارد که دو سازمان آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس از نظر مبانی و اهداف شکل‌گیری مشترک و تحت تأثیر تهدید خارجی یعنی با نگاهی از بیرون به درون شکل گرفتند، اما مسیر همگرایی متفاوتی را پیمودند، به‌نحوی که آسه آن در حال حاضر نهادی با در اولویت قرار دادن اقتصاد و شورای همکاری خلیج فارس سازمانی با اولویت قرار دادن مسائل سیاسی-امنیتی است. بر این اساس یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که منطقه‌گرایی دو سازمان متفاوت است به‌نحوی که می‌توان آسه آن را نمونه گذار از منطقه‌گرایی محدود و واقع‌گرایانه به منطقه‌گرایی جدید با جنبه‌های لیبرالیسم ذکر کرد و شورای همکاری خلیج فارس نیز جنبه‌های لیبرالیسم و اقتصاد بازاری را پذیرفته است، اما برای این سازمان به دلیل هراس از بقاء خود همچنان مسائل سیاسی-امنیتی در اولویت هستند.

واژگان کلیدی: آسه آن، شورای همکاری خلیج فارس، لیبرالیسم، منطقه‌گرایی، واقع‌گرایی.

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: sabbaghian@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

مقدمه

نظام بین‌الملل کنونی جهان بر همکاری لایه‌های مختلف در قالب و ساختارهای گوناگون متکی است. منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای یکی از ویژگی‌های نظام بین‌الملل در عصر پسا جنگ جهانی دوم است که به‌طور مستمر بر گستره و عمق آن افزوده شده است. اگرچه شروع روند منطقه‌گرایی پس از جنگ جهانی دوم از اروپا آغاز شد - به‌نحوی که اغلب منطقه‌گرایی اولیه را اروپا محور در نظر می‌گیرند - اما به تدریج با پدیدار شدن منافع همگرایی منطقه‌ای، این پدیده در سایر مناطق جهان نیز مورد توجه قرار گرفت. در این چارچوب روند همگرایی در جنوب شرق آسیا با فاصله از اروپا شروع شد و در سال ۱۹۶۷ اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه آن) به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای و باهدف افزایش و تسریع همکاری در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی در منطقه جنوب شرق آسیا با ۵ عضو اصلی تشکیل شد. به تدریج از نظر سطوح و گستره همگرایی بر میزان نهادینگی و عضویت این سازمان افزوده شد، به‌نحوی که تا سال ۱۹۹۹، ۱۰ کشور (مالزی، فیلیپین، تایلند، اندونزی، سنگاپور، بروئی، ویتنام، لائوس، میانمار و کامبوج) از منطقه جنوب شرق آسیا را در بر گرفت. در سوی دیگر در منطقه خلیج فارس نیز از اوایل دهه ۱۹۸۰ یک‌روند همگرایی آغاز شد که در چارچوب آن شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ با حضور شش کشور عربی حوزه خلیج فارس (بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی) و باهدف ظاهری یکپارچگی بیشتر اقتصادی و نظامی به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای شکل گرفت. باگذشت زمان آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس به سطح و عمق منطقه‌گرایی خود افزوده و چشم‌انداز نوینی را پیش‌روی اعضای خود گشوده‌اند، تا جایی که به‌عنوان جدیدترین اقدام دو سازمان در حال اجرایی کردن بازار مشترک بوده و به‌سوی ادغام و همگرایی هرچه بیشتر حرکت می‌کنند. تجربه منطقه‌گرایی در دو نهاد

۱. اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه آن) در اصل با عنوان اتحادیه جنوب شرق آسیا، در ۳۱ ژوئیه سال ۱۹۶۱ تأسیس شد و فدراسیون مالزی، فیلیپین و تایلند به عنوان سه عضو آن شناخته می‌شوند. در ۷ و ۸ اوت سال ۱۹۶۷، وزرای خارجه اندونزی، سنگاپور، تایلند، فیلیپین و معاون نخست وزیر مالزی در شهر بانکوک دیدار کردند و اعلامیه‌ای مبنی بر تأسیس اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا را منتشر کردند. این اعلامیه تحت عنوان اعلامیه بانکوک در سال ۱۹۶۷، تأسیس رسمی آسه آن را اعلام کرد.

فوق‌الذکر فراز و نشیب‌های متفاوت و در برخی مواقع مشابه را به نمایش می‌گذارد. با توجه به تجربه دو سازمان مذکور مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که اهداف شکل‌گیری و روند توسعه همگرایی منطقه‌ای در دو سازمان آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس چگونه بوده و چه مشابهت‌ها و تفاوت‌های بین آن‌ها وجود دارد؟ در پاسخ مقاله استدلال می‌کند که دو سازمان آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس از نظر مبانی شکل‌گیری مشترک و باوجود تهدید خارجی به وجود آمدند، اما مسیر همگرایی متفاوتی را پیمودند، به‌نحوی که آسه آن در حال حاضر نهادی با در اولویت قرار دادن اقتصاد و شورای همکاری خلیج فارس سازمانی با اولویت قرار دادن مسائل سیاسی-امنیتی است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی سعی دارد چرایی و چگونگی شکل‌گیری و همچنین تحول کارکردی دو سازمان منطقه‌ای آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در این راستا ابتدا چارچوب مفهومی با استخراج مفاهیم تهدید امنیتی (رهیافت واقع‌گرایی) و همکاری (رهیافت لیبرالیسم) تشریح می‌شود، سپس آثار موجود در حیطه موضوعی مقاله حاضر مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد و در نهایت فرضیه با در نظر گرفتن واقعیات تجربی و در قالب مدل ارائه‌شده آزمون می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

آثار موجود در حوزه موضوعی مقاله حاضر به چهار دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول منابع به‌صورت تک موردی منطقه‌گرایی سازمان آسه آن را مورد بررسی قرار داده‌اند به‌عنوان نمونه: سیو چیا (۲۰۱۱) در مقاله «همگرایی منطقه‌ای اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا؛ تحولات و چالش‌ها» به تشریح سیر تحولات، ارزیابی منطقه‌گرایی این نهاد و برخی موانع پیش‌روی آن پرداخته است. یور داش (۲۰۱۷) در مقاله «اجتماع اقتصادی آسه آن؛ ادغام عمیق یا آرایش سیاسی صرف؟» به برخی موانع پیش‌روی آسه آن جهت دستیابی به همگرایی منطقه‌ای بیشتر اشاره می‌کند. احمد رضانی و حسین معین‌آبادی (۱۳۹۸) در مقاله «اقتصاد سیاسی همگرایی منطقه‌ای آسه آن» موانع و چالش‌های سیاسی اقتصادی ادغام بیشتر آسه آن را مورد بررسی قرار می‌دهند. بهاره سازمند (۱۳۸۶) در مقاله «بررسی همگرایی اقتصادی در میان اعضای آسه آن از منظر بین حکومت‌گرایی» به

کاوش درباره همگرایی اقتصادی آسه آن به ویژه شکل‌گیری منطقه آزاد تجاری آسه آن می‌پردازد. ناصر سلطانی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «تحول در منطقه‌گرایی و ارزیابی جایگاه اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا» علاوه بر بررسی چالش‌های این اتحادیه، به تعیین سطح آن در مراحل منطقه‌گرایی می‌پردازند. بهاره سازمند و احمد رضائی (۱۳۹۷) در مقاله «منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا: آسه آن+۳ یا آسه آن+۶؟» به افزایش اعضای آسه آن در قالب دو نهاد آسه آن و رقابت چین و ژاپن در قالب آن‌ها می‌پردازند.

دسته دوم منابع مربوط به منطقه‌گرایی شورای همکاری خلیج فارس است. به‌عنوان مثال: حامد افراسیاب پور (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل پویای امنیت‌های امنیتی شورای همکاری خلیج فارس» با به‌کارگیری نظریه مجموعه امنیتی به بررسی علل عدم موفقیت شورای همکاری خلیج فارس در همگرایی منطقه‌ای می‌پردازد. محمدجعفر جوادی ارجمند و حسن احمدی (۱۳۹۱) در مقاله «موانع همگرایی در شورای همکاری خلیج فارس از منظر ژئوپلیتیک» عدم موفقیت شورای همکاری خلیج فارس جهت دستیابی به یک سازه منطقه‌ای همسان در ژئوپلیتیک را مورد بررسی قرار می‌دهند. رضا اکبریان و محسن شکری (۱۳۹۵) در مقاله «جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی اقتصادی در حوزه شورای همکاری خلیج فارس» به تأثیر جهانی‌شدن بر همگرایی و منطقه‌گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس می‌پردازند. هادی صادقی اول و جعفر نقدی عشرت‌آباد (۱۳۹۳) در مقاله «روابط ایران و دژ منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس» با استفاده از نظریات جامعه امن و دژ منطقه‌ای مناسبات دوطرفه تجزیه و تحلیل می‌کنند. محمدصادق کوشکی و امیر حامد آزاد (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی تطبیقی عملکرد اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس در چارچوب همگرایی منطقه‌ای» به معضلات این سازمان نظیر عدم تشکیل اتحادیه پولی، نرخ بیکاری بالا، کمبود منابع مالی بالا و نرخ مبادله پایین تجاری میان کشورهای عضو در راه همگرایی منطقه‌ای می‌پردازند. رافائل اسپینوزا و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله «ادغام مالی منطقه‌ای در شورای همکاری خلیج فارس» به ابعاد گوناگون همکاری و همگرایی مالی در نهاد مذکور پرداخته‌اند. ای کی پاشا (۲۰۱۲) در مقاله «شورای همکاری خلیج فارس؛ رویکرد منطقه‌ای برای صلح،

امنیت و توسعه» به شکل‌گیری و تعمیق همکاری درون منطقه‌ای در شورای همکاری خلیج فارس می‌پردازد. شینجی تاکاگی (۲۰۱۲) در مقاله «تأسیس اتحادیه پولی در شورای همکاری خلیج فارس؛ چه درس‌هایی برای همکاری منطقه‌ای؟، تجربه و موانع پیش‌روی اتحادیه پولی شورای همکاری خلیج فارس را مورد بررسی قرار می‌دهد؛

دسته سوم منابع به مقایسه منطقه‌گرایی آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس با یکدیگر می‌پردازد مانند: یو بیک (۲۰۰۸) در مقاله «نظریه و واقعیت ادغام منطقه‌ای؛ مطالعه تطبیقی شورای همکاری خلیج فارس و آسه آن» شباهت‌ها و تفاوت‌های منطقه‌گرایی دو سازمان مذکور را ارزیابی می‌کند؛

در نهایت تمرکز دسته چهارم منابع، مقایسه منطقه‌گرایی آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس با منطقه‌گرایی دیگر سازمان‌ها است مانند: الهه کولایی و بهاره سازمند (۱۳۹۰) در مقاله «همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آسه آن» به موفقیت همگرایی منطقه‌ای در آسه آن و عدم موفقیت اکو در منطقه‌گرایی می‌پردازند. آنا یشکه و فلومینا موری (۲۰۱۲) در مقاله «ادغام منطقه‌ای؛ اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا [آسه آن]» به تطبیق منطقه‌گرایی دو سازمان مذکور می‌پردازد و معتقد است آسه آن در حال الگوبرداری از نهادهای اتحادیه اروپا است. اگر چه منابع بررسی شده در بالا منابع ارزشمندی است که استفاده از در مقاله حاضر بر غنای آن می‌افزاید اما هیچکدام از این منابع به نحوی نیست که این مقاله را تکراری جلوه دهد. لذا مقاله کنونی با بررسی تطبیقی منطقه‌گرایی بین دو سازمان آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس و تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها به مدلی دست یافته که در حد خود کار نوآورانه‌ای تلقی می‌شود.

۲. چارچوب نظری

مفهوم منطقه‌گرایی به‌اندازه‌ی موضوع مطالعه آن متنوع است. هیچ تعریف پذیرفته‌شده‌ای از منطقه وجود ندارد (Sbragia, 2008) بیشتر افراد موافق‌اند که منطقه به «نزدیکی و مجاورت جغرافیایی» (Hurrell, 1995: 353) و وابستگی متقابل (Nye, 1965: vii) دلالت دارد. برخی درجه خاصی از همگنی فرهنگی (Russett, 1967)، احساس اجتماعی

(Deutsch et al. 1957) یا «منطقه بودگی»^۱ را اضافه می‌کنند (Hettne & Söderbaum, 2000). بنابراین منطقه‌گرایی، به فرآیندها و ساختارهای منطقه‌سازی از منظر پیوندهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی-فرهنگی نزدیک‌تر بین دولت‌ها و جوامعی اشاره دارد که از نظر جغرافیایی به هم نزدیک هستند. در علوم سیاسی، منطقه‌گرایی اغلب مترادف همکاری‌ها و ادغام منطقه‌ای است (Börzel, 2011: 6). ادبیات روابط بین‌الملل رویکردهای زیادی به منطقه‌گرایی ارائه می‌دهد. با این حال، هیچ نظریه واحدی به‌تنهایی نمی‌تواند تحلیل جامعی ارائه دهد. مطابق با ادبیات عمومی روابط بین‌الملل، تقریباً چهار چشم‌انداز مهم نظری پیرامون منطقه‌گرایی ذکر می‌شوند که به ترتیب نواقعی‌گرایی، نهادگرایی نو لیبرال، سازه‌انگاری اجتماعی و مارکسیسم-ساختارگرایی هستند (Börzel, 2011: 17). منطقه‌گرایی را اغلب به سه مرحله (منطقه‌گرایی قدیم، جدید و تطبیقی) تقسیم می‌کنند و برخی مانند سودرbaum مرحله چهارم (منطقه‌گرایی اولیه) را به آن می‌افزاید (Söderbaum, 2015). منطقه‌گرایی برای بسیاری از محققان عمدتاً پدیده‌ای پس از جنگ جهانی دوم است. این پدیده در اواخر دهه ۱۹۴۰ در اروپای غربی پدید آمد و متعاقباً به کشورهای در حال توسعه گسترش یافت. منطقه‌گرایی قدیمی بسیاری از پویایی‌های خود را در اروپا در اوایل دهه ۱۹۷۰ و به تدریج، در جهان در حال توسعه از دست داد. با این حال منطقه‌گرایی قدیم را بیشتر اروپا محور می‌دانند. دهه ۱۹۷۰ و نیمه اول دهه ۱۹۸۰ دوره سکون منطقه‌گرایی اروپایی بود. منطقه‌گرایی در سایر نقاط جهان نیز در حال فراموشی بود. با این حال، چشم‌انداز سقوط دیوار برلین و سیاست بازار داخلی و تک قانون اروپای واحد در سال ۱۹۸۵ منجر به روند پویای جدید ادغام در اروپا شد. این امر همچنین شروع پدیده‌ای تحت عنوان «منطقه‌گرایی جدید» بود. منطقه‌گرایی جدید به تعدادی از روندها و تحولات جدید مانند افزایش چشمگیر تعداد توافقات تجاری منطقه‌ای، نوعی منطقه‌گرایی برون‌نگر و کمتر حمایت‌گرا، ضد هژمونیک و خودجوش اشاره داشت. نوعی مناطق چندبعدی و تکثرگرایانه‌تر که از درون مناطق به وجود می‌آمد، به جای این که تحت کنترل ابرقدرت‌ها ایجاد شوند (Boas et al. 1999; de Melo & Panagaryia, 1995; Fawcett & Hurrell, 1995; Hettne et al.

1. regioness

(1999; Mansfield & Milner, 1997; Schulz et al. 2001). پس از دو تا سه دهه از منطقه‌گرایی جدید، اکنون زمان آن رسیده است که به فراتر از منطقه‌گرایی جدید حرکت کنیم. بدیهی است که از زمان شروع هزاره جدید یا اواسط دهه ۲۰۰۰ نه تنها ماهیت منطقه‌گرایی، بلکه روش منطقه‌گرایی نیز متحول شده است. ویژگی جدیدترین مرحله منطقه‌گرایی را نمی‌توان در تأسیس سازمان‌های جدید منطقه‌ای، بلکه در گسترش، تعمیق و توسعه منطقه‌گرایی یافت. یکی از ویژگی‌های مهم منطقه‌گرایی کنونی تثبیت جایگاه آن در عرصه سیاست بین‌الملل است. این واقعیت که از اواسط دهه ۲۰۰۰ منطقه‌گرایی متحول شده است و همچنین نشانه‌هایی از افزایش تنوع آن، در قالب مجموعه‌ای غنی از مفاهیم و برجسب‌های جدید (تا حدودی همپوشان، تا حدودی رقیب) مانند «منطقه‌گرایی پسا هژمونیک»^۱ (Riggirozzi & Tussie 2012; Telo 2013)، «منطقه‌گرایی پسا نولیبرال»^۲ (Riggirozzi 2012)، «منطقه‌گرایی دگراندیشانه»^۳ (Vivares 2013)، «ادغام تمایز یافته»^۴ (Leuffen et al. 2013)، «نظم‌های منطقه‌ای متخلخل»^۵ (Katzenstein, 2005)، «جهان‌های منطقه‌ای»^۶ (Acharya 2014)، «مناطق همگرا»^۷ (Lenze/Schriwer 2014)، «منطقه شبکه‌ای»^۸ (Baldersheim 2011)، «فراتر از منطقه‌گرایی»^۹ (Harders & Legrenzi 2008) و «نفوذپذیری مداوم»^{۱۰} (Salloukh & Brynen 2004) مشهود است. این مفاهیم و برجسب‌های مشابه همه نشانه افزایش تنوع و پیچیدگی منطقه‌گرایی است. منطقه‌گرایی تطبیقی، رویکردی تلفیقی محسوب می‌شود که در قالب آن مناطق مختلف می‌توانند در فضاها و اشکال سازمانی متفاوت مقایسه شوند. شما می‌توانید بر اساس این رویکرد مناطق مختلف مانند (اروپا، آفریقا/ آفریقای جنوبی، شرق و جنوب شرق آسیا) را در ابعاد گوناگون نظیر (بلوک تجاری، مناطق

1. post-hegemonic regionalism
2. post-neoliberal regionalism
3. heterodox regionalism
4. differentiated integration
5. porous regional orders
6. regional worlds
7. converging regions
8. networking region
9. beyond regionalism
10. persistent permeability

امنیتی، مناطق شناختی) مورد مقایسه قرار دهید. به عبارتی، تکثرگرایی مفهومی با آنارشی برابر نیست. نکته اساسی این است که در مورد سؤال تحقیق و انتخاب موارد روشن و درعین حال وضوح مفهومی را حفظ کنید (Söderbaum, 2015: 23). در این چارچوب منطقه‌گرایی را می‌توان با رویکردهای مختلفی نظیر: خارج به داخل و داخل به خارج مورد بررسی قرار داد. رویکردهای خارج به داخل بر عوامل بیرونی یا ژئوپلیتیک و عوامل نظام محور تمرکز دارند. رویکردهای درون به بیرون بر عوامل داخلی و همگرایی فرهنگی متمرکزند. به‌عنوان مثال: نظریه همگرایی اتریونی (همکاری منطقه‌ای را در قالب متغیرهای فرهنگی مشترک) و اجتماع امنیتی دویچ (تعاملات فرهنگی می‌تواند منجر به اجتماع امنیتی شود) دیدگاهی داخل به خارج دارند (Deutsch, 1957; Etzioni 1965). نظریات دیگری نظیر: نظام‌ها، واقع‌گرایی و وابستگی متقابل / جهانی شدن ساختاری نیز دیدگاهی خارج به داخل دارند. نظریات نظام محور تأثیر فشارهای خارجی بر منطقه را برجسته می‌کند و تأکید آن بر اهمیت ساختارهای اقتصادی-سیاسی حاوی طرح‌های منطقه‌ای است. به‌عنوان مثال کنت والتز سعی دارد ایراد نظریه‌سازی در سطح واحد بدون بازتاب تأثیرات نظام بین‌الملل را به‌عنوان یک کل نشان دهد. در همین راستا او سعی دارد پیکربندی خارجی قدرت، محرک‌های رقابت قدرت-سیاست و نقش محدودکننده نظام بین‌الملل را برجسته کند. در قالب این رویکرد منطقه‌گرایی به‌عنوان پاسخی به چالش‌های خارجی و ارتباط زیادی با سیاست تشکیل ائتلاف دارد. مدافعان واقع‌گرایی بر اهمیت اساسی چارچوب جغرافیایی تأکید دارند (Manoli, 2012: 20-21). اصل و کانون سنت واقع‌گرایی مفهوم «امنیت» است. واقع‌گرایی ناامنی دولت‌ها را مشکل اصلی روابط بین‌الملل می‌داند. به‌طور خلاصه، واقع‌گرایی انگیزه اصلی در نظام بین‌الملل را «خودیاری» مطرح می‌کند. بدین معنی که دولت‌ها باید امنیت را برای خود فراهم کنند، زیرا هیچ عامل یا بازیگر دیگری برای این مهم وجود ندارد (Walt, 2017: 1-2). در حوزه منطقه‌گرایی نیز واقع‌گرایی معتقد است نهاد یا سازمان منطقه‌ای توسط چند کشور در واکنش به تهدید امنیتی ایجاد می‌شود تا مانع از تحمیل زیان و آسیب به امنیت کشورهای آن منطقه شود. در مقابل نظریات وابستگی متقابل، نو کارکردگرایی و نهادگرایی نو لیبرال دیدگاهی داخل به خارج دارند (Manoli, 2012: 21). این گروه

نظریات مانند کوهن، هاس و میترانی بر نهادینه‌سازی همگرایی منطقه‌ای تأکید دارند و مفروض اصلی آن‌ها نیز این است که منطقه‌گرایی پاسخ عقلانی همکاری حکومتی است. ویژگی مشترک این نظریات در ماهیت هنجاری آن‌ها است که اغلب فرضیاتی چون: عقلانیت بازیگران، ماهیت فنی نهادینه‌سازی و فضای کثرت‌گرا را برجسته می‌سازند (Mitrany, 1966; Hass, 1958; Keohane, 1984; Keohane & Nye 1989). پس عامل شکل‌گیری منطقه‌گرایی با در نظر گرفتن مفروض تهدید امنیتی در رهیافت واقع‌گرایی، رویکردی خارج به داخل یعنی درک تهدید، چالش و هر نوع مسئله‌ای خارج از کشور و حتی منطقه است، اما به دلیل استمرار حیات سازمان‌های آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس و تعمیق همکاری در دو نهاد مذکور به مفهوم دیگری جهت تحلیل وضعیت جاری آن‌ها نیاز است. مفهوم همکاری در رهیافت لیبرالیسم به دلیل اینکه بر عقلانیت کشورها و نهادینه‌سازی بیشتر در راستای کسب منفعت تأکید دارد، رویکردی داخل به خارج را مدنظر قرار می‌دهد و از طریق آن می‌توان گسترش همکاری آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس را بهتر تشریح کرد، به همین ترتیب سعی می‌شود چرایی شکل‌گیری آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس ابتدا در قالب مفهوم تهدید امنیتی از رهیافت واقع‌گرایی تحلیل و سپس استمرار و بسط آن‌ها در قالب مفهوم همکاری لیبرالیسم بررسی شود.

مدل پژوهش

تهدید امنیتی ← نهادسازی ← سودمندی همکاری ← بسط و تعمیق همکاری

بر اساس مفاهیم: تهدید مشترک از رویکرد واقع‌گرایی و همکاری از رویکرد لیبرالیسم، مدل مفهومی بالا استخراج شده است که بر اساس آن دو سازمان منطقه‌ای آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس بررسی می‌شود.

۳. منطقه‌گرایی آسه آن

روند منطقه‌گرایی آسه آن در قالب دو مرحله کلی شکل‌گیری و تعمیق و توسعه آن قابل تقسیم است. با رویکردی توصیفی-تحلیلی چگونگی و چرایی یعنی تاریخ و محرک‌های اصلی شکل‌گیری و همچنین گسترش این سازمان تشریح و تحلیل می‌شود.

به عبارت دیگر سعی می‌شود به صورت توصیفی تاریخ شکل‌گیری و توسعه آسه آن تشریح شود و به دنبال آن با به‌کارگیری چارچوب نظری به تحلیل پدیده منطقه‌گرایی آسه آن پرداخته می‌شود. تلفیق این دو رویکرد باعث می‌شود در وهله اول درک عمیق‌تری نسبت به علل و مراحل رشد منطقه‌گرایی این سازمان به دست آوریم و در وهله بعد مناسبات کنونی آن بر ما آشکار خواهد شد.

۱-۳. شکل‌گیری منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای جنوب شرق آسیا به تدریج استقلال خود را از استعمارگران به دست آوردند، با این حال منطقه تنها به بخشی از مبارزات جنگ سرد بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی و به «میدان نبردی در درگیری بین چین و اتحاد جماهیر شوروی» تبدیل شد (Narine, 2002: 10). آسه آن به عنوان یک سازمان برخی ویژگی‌های تاریخی مختص به خود را دارد و ایده ایجاد آن با چند توافق دو و چندجانبه آغاز شد (Nathan, 1988: 515). نقطه آغازین این امر عدم اطمینان موجود در مورد رفتار اتحاد جماهیر شوروی و چین در پی جنگ جهانی دوم بود و ایالات متحده اولین قدم را برای ترویج منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا برداشت. ایالات متحده در سال ۱۹۵۴، به همراه فرانسه، بریتانیا، نیوزیلند، استرالیا، فیلیپین، تایلند و پاکستان سازمان پیمان جنوب شرق آسیا (سیتو) را برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در منطقه تأسیس کرد. کشورهایی مانند اندونزی، هند و چین عضویت در این سازمان را رد کردند، درعین حال که اندونزی و هند به ایجاد جنبش غیرمتعهدا کمک و کشورهای آسیایی را از پیوستن به این سازمان غربی سرزنش می‌کردند. به هر حال به دلایل مختلف که از ذکر آن در اینجا صرف نظر می‌شود این سازمان در سال ۱۹۷۷ توسط اعضای آن منحل شد (Solidum, 1974; Buszynsk, 1981: 287; Weber, 2009: 4; Acharya, 2014: 56;) (Lee, 2017: 2-3). سفر تنکو عبدالرحمان به فیلیپین در سال ۱۹۵۹ و انعقاد معاهده دوستی و اقتصادی جنوب شرق آسیا^۳ حرکت دیگری بود که باهدف همکاری مشترک

1. Southeast Asia Treaty Organization (SEATO)
2. Tinku Abdul Rahman
3. Southeast Asia Friendship and Economic Treaty (SEAFET)

مطرح شد (Nathan, 1988: 515). گرچه این گروه‌بندی محدود به اقتصاد، تجارت و آموزش بود، ولیکن به دلیل اختلاف‌نظر چند کشور جنوب شرق آسیا فروپاشید (Saravanamuttu, 1983: 42-43). قبل از شکل‌گیری آسه آن دو حرکت دیگر نیز توسط کشورهای منطقه انجام گرفت و به‌نوعی آسه آن را پایه‌ریزی کرد. اتحادیه جنوب شرق آسیا (آسا) سازمانی با ساختار بسیار محدود بود که توسط سه کشور تایلند، فیلیپین و فدراسیون مالایا تشکیل شد (Hagiwara, 1973: 443). هدف از تأسیس آن ایجاد صلح و ثبات منطقه‌ای اعلام شد. این سازمان به دنبال تقویت همکاری در زمینه‌های اقتصادی، علوم اجتماعی و فرهنگ، ارائه تسهیلات آموزشی و افزایش سطح همگرایی نیز بود (Keling et al. 2011: 171). این انجمن به دلیل درگیری بین مالایا و فیلیپین و خروج فیلیپین از آن شکست خورد. پس از فروپاشی اتحادیه جنوب شرق آسیا (آسا)، سازمان منطقه‌ای دیگری به نام مافیلیندو تشکیل شد که اندونزی، مالزی و فیلیپین را در برمی‌گرفت و هدف آن تقویت همکاری در زمینه اقتصاد، فرهنگ و علوم اجتماعی بود. علاوه بر این، این سازمان راه‌حلی برای پایان دادن به اختلافات بین اندونزی، مالزی و فیلیپین، به‌ویژه در رابطه با موضوعات سرزمینی بود. مافیلیندو نیز شکست خورد، زیرا هر کشور به‌جای منافع منطقه‌ای بر منافع ملی خود متمرکز شده بود (Fifed, 1979). در نتیجه، این امر روابط منطقه‌ای جنوب شرق آسیا را در وضعیت پرتنش قرار داد و بین کشورهای عضو درگیری ایجاد کرد. به‌منظور چاره‌جویی برای منازعات، احیا و توسعه روابط مستحکم بین کشورهای منطقه، اجلاس در سال ۱۹۶۷ بین کشورهای جنوب شرق آسیا در بانکوک برگزار شد. نتیجه اجلاس این بود که اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه آن) در سال ۱۹۶۷ توسط اقتصادهای غیرکمونیزم و بازار محور اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند تأسیس و برونی در سال ۱۹۸۴ عضو این نهاد شد. نقطه عطف جدیدی در ژوئیه ۱۹۹۵ رقم خورد که ویتنام، یک کشور کمونیستی از اقتصاد دستوری به بازاری و از دشمن سابق تحول پیدا کرد و به آسه آن پیوست (Yue, 1997: 275). لائوس و میانمار در سال ۱۹۹۷ و کامبوج در ۱۹۹۹ به عضویت آسه آن

1. Associations of Southeast Asia (ASA)
2. MAPHILINDO

درآمدند (Kliem, 2019: 17). همان‌طور که ذکر شد محرک اصلی شکل‌گیری آسه آن تهدید خارجی نفوذ کمونیست در منطقه و مشوق آن نیز ایالات متحده بود که می‌توان منطقه‌گرایی و شکل‌گیری این نهاد را بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تبیین کرد. واقع‌گرایان دلیل منطقه‌گرایی را وجود هرگونه تهدید خارجی مطرح می‌کنند که کشورهای منطقه‌ای خاص در واکنش به آن تهدید و برای صیانت از خود به منطقه‌گرایی روی می‌آورند. به همین ترتیب این مفروضه واقع‌گرایی برای تبیین چرایی شکل‌گیری منطقه‌گرایی بین کشورهای عضو آسه آن صدق می‌کند و می‌توان شکل‌گیری این نهاد را بر اساس رویکرد واقع‌گرایی که رویکردی خارج به داخل دارد تبیین کرد (تهدید نفوذ کمونیسم و ترغیب کشورهای منطقه توسط ایالات متحده)، اما آنچه در اینجا سؤال به‌وجود می‌آورد تقویت آسه آن به لحاظ عضویت و سطح همکاری است. باوجوداینکه این نهاد برای مهار کمونیسم به‌وجود آمد، اما کشورهای کمونیستی چون ویتنام و لائوس نیز عضو آن هستند و پس از بین رفتن تهدید کمونیسم کشورهای منطقه چندین طرح اقتصادی را مطرح و به سمت منطقه‌گرایی و منطقه‌ای شدن بیشتر حرکت کردند. پس چگونه می‌توان ادامه فعالیت و تعمیق همکاری آن را تحلیل کرد؟ نظریه واقع‌گرایی توان تحلیل گسترش و تعمیق منطقه‌گرایی را ندارد و به‌دلیل تغییر ماهیت روابط بین کشورها از امنیتی به اقتصادی مجبوریم رویکرد لیبرالیسم را برای تحلیل منطقه‌گرایی آسه آن در نظر بگیریم. اولین گام بسیار متوسط در راستای نهادسازی در سال ۱۹۷۶ با تأسیس دبیرخانه آسه آن در بالی برداشته شد. نمی‌توان از همگرایی و ادغام جدی قبل از سال ۱۹۹۲ یعنی هم‌زمان با ایجاد منطقه تجارت آزاد آسه آن صحبت کرد.

۲-۳. تعمیق منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا

طرح‌های همکاری اقتصادی با ترتیبات تجارت ترجیحی آسه آن در سال ۱۹۷۷ آغاز شد. تلاش‌های جدی برای همگرایی اقتصادی با منطقه آزاد تجاری آسه آن در سال ۱۹۹۲ شروع شد و با جامعه اقتصادی در سال ۲۰۰۳ گسترش و تعمیق یافت. قبل از سال ۱۹۹۲، آسه آن بر همکاری‌های بخشی و کارکردی متمرکز بود. ترتیبات تجارت ترجیحی آسه آن در سال ۱۹۷۷ برای ارتقاء تجارت منطقه‌ای عمدتاً از طریق پیشنهاد

تعارف‌های ترجیحی با مذاکرات متعدد سالانه معرفی شد. آسه آن همچنین به طرح‌های همکاری صنعتی مانند: پروژه‌های صنعتی سال ۱۹۷۶ آسه آن، برنامه‌های صنعتی مکمل ۱۹۸۱ آسه آن و شرکت‌های مشترک صنعتی ۱۹۸۳ آسه آن مشغول شد. هم‌ترتیبات تجارت ترجیحی و هم طرح‌های صنعتی نتوانستند مطابق انتظارات پیش بروند. تمام تلاش‌های همگرایی چه دوجانبه، چه فرو منطقه‌ای و چه منطقه‌ای، انگیزه سیاسی و اقتصادی داشتند. منطقه تجارت آزاد همچنان یک امر غیرممکن باقی مانده بود، زیرا چندین کشور آسه آن همچنان راهبرد جایگزینی واردات و پرورش قهرمان ملی را دنبال می‌کردند (Chia, 2011: 48, 50). در ۲۸ ژانویه ۱۹۹۲ به مناسبت چهارمین اجلاس آسه آن، رهبران این سازمان تصمیم گرفتند با توجه به تحولات عمیق سیاسی و اقتصادی جهان از زمان پایان جنگ سرد، همکاری‌های سیاسی و اقتصادی آسه آن را به سطح بالاتری ارتقا دهند. در عرصه اقتصادی، رهبران چارچوب موافقت‌نامه را جهت تقویت همکاری‌های اقتصادی آسه آن امضا کردند. این موضوع با امضای هم‌زمان موافقت‌نامه طرح تعرفه ترجیحی مؤثر مشترک برای منطقه تجارت آزاد آسه آن توسط وزیران تجارت این نهاد برجسته شد. دو موافقت‌نامه مذکور علائم تغییر همکاری اقتصادی به سمت همگرایی اقتصادی بود که تاکنون امری غیرممکن در آسه آن محسوب می‌شد (Intal & Chen, 2017: 34,35). اگر تکامل آسه آن قبل از دهه ۲۰۰۰ را به ۳ دوره کم‌وبیش مشخص تقسیم کنیم: ۱- دوره اول تأسیس آسه آن در محیط منطقه‌ای و جهانی کاملاً نامشخص را شامل می‌شود که منازعه بر آن سایه انداخته بود؛ ۲- مرحله دوم با اجلاس بالی پنج رهبر آسه آن در فوریه ۱۹۷۶ آغاز شد. این واقعه حاکی از آغاز مجموعه‌ای رسمی از اقدامات همکاری‌های منطقه‌ای بود؛ ۳- مرحله سوم در سال ۱۹۹۲ با نشست سران و اعلام منطقه تجارت آزاد آغاز شد. این امر اختلافی آشکار با گذشته را نشان می‌داد. شش رهبر توافق کردند تا سال ۲۰۰۸ نرخ تعرفه ترجیحی مؤثر را از ۵ تا ۵ درصد، با آزمایش موقت این هدف با ۲۰ درصد تا ۲۰۰۰-۱۹۸۸ کاهش دهند. این موعد پی در پی در پنجمین اجلاس آسه آن در سال ۱۹۹۵ به سال ۲۰۰۵ و بعداً به سال ۲۰۰۳ تغییر داده شد. رهبران همچنین توافق کردند که هر کشور حداقل تا سال ۲۰۰۰، ۸۵

درصد و تا سال ۲۰۰۱، ۹۰ درصد از اقلام تعرفه‌ای خود را در فهرست شمولیت قرار دهند (Hill & Menon, 2010: 3-5).

گرچه آسه آن در زمان تأسیس به‌عنوان یک اتحادیه سیاسی شناخته می‌شد، اما به تدریج مطمئناً به جنبه‌های اقتصادی ادغام علاقه نشان می‌داد. از زمان تأسیس منطقه تجارت آزاد آسه آن به‌عنوان برجسته‌ترین اقدام، بخش عمده‌ای از روند همگرایی حول مسائل اقتصادی و تجاری می‌چرخد. بحران مالی آسه آن منجر به آمادگی دولت‌های عضو آسه آن جهت تحکیم و تعمیق همکاری در راستای افزایش مقاومت اقتصادی شد. بنابراین، تعجب‌آور نیست که شاهد اعلامیه چشم‌انداز ۲۰۲۰ آسه آن در سال ۱۹۹۷ باشیم. به همین ترتیب، پویایی سیاسی و اقتصادی منطقه و در سطح جهان با ایده‌های رهبران آسه آن در نهمین اجلاس سال ۲۰۰۳ در سال ۲۰۰۳ مطابقت داشت و به همین دلیل آن‌ها خواستار ایجاد اجتماع آسه آن شدند. در نهایت، این هدف قرار بود در سال ۲۰۱۵ از طریق تأسیس اجتماع اقتصادی آسه آن در دوازدهمین اجلاس آسه آن در سال ۲۰۰۷ اجرایی شود. اجرایی شدن کامل دو اجتماع دیگر: اجتماع سیاسی-امنیتی آسه آن^۳ و اجتماع فرهنگی-اجتماعی آسه آن^۴ قرار است در مراحل بعد انجام شود (Jetin & Mikic, 2016: 1). در سیزدهمین اجلاس آسه آن در نوامبر ۲۰۰۷، سران آسه آن منشور آسه آن را امضا کردند. این اولین باری بود که آسه آن یک منشور را امضا می‌کرد (Shimizu, 2010: 82). از بسیاری جهات، اجتماع اقتصادی آسه آن که در اواخر سال ۲۰۱۵ به وجود آمد، محرک بعدی منطقه‌گرایی آزاد محسوب می‌شود. در حالی که نگاه آن برون‌منطقه‌ای است، تمرکز خود را در مورد آزادسازی داخلی حفظ می‌کند. تحولات از دهه ۱۹۶۰ شاهد افزایش سریع و گسترده صادرات آسه آن بود، اما رشد و سهم تجارت درون‌منطقه‌ای آسه آن همچنان به‌مراتب کمتر قابل توجه است. این موضوع موردنظر اجتماع اقتصادی آسه آن و امری است که پانگستو و همکارانش (۱۹۹۲) از آن به‌عنوان یک فضای مهم برای بهبود و گسترش همگرایی اقتصادی و قدرت آسه آن یاد

1. ASEAN Community
2. ASEAN Economic Community (AEC)
3. ASEAN Political-Security Community (APSC)
4. ASEAN Socio-Cultural Community (ASCC)

می‌کنند (Drysdale, 2017: 77). برنامه کاری ۲۰۲۵ اجتماع اقتصادی آسیا آن تلاش‌های بی‌وقفه‌ای را برای افزایش ادغام اقتصادهای عضو آسیا در دستور کار دارد. این طرح شامل تعداد زیادی از اقدامات باهدف تحقق بخشیدن به اجتماع آسیا آن برون‌محور و دارای ویژگی‌های کلیدی به‌هم‌پیوسته و با خاصیت تقویت‌کنندگی متقابل است: ۱- بازار واحد و پایه تولید؛ ۲- اقتصادی رقابتی منطقه‌ای؛ ۳- منطقه‌ای با توسعه برابر و ۴- منطقه کاملاً ادغام‌شده در اقتصاد جهانی. اجتماع اقتصادی آسیا آن با این خصوصیات اصلی، اساساً هدف نهایی همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در آسیا است (Shimizu, 2010: 82; Intal & Chen, 2017: 36,37; Jetschke & Murray, 2011: 177; Kobayashi et al, 2018: 1; Dosch, 2017: 31; Jetin & Mikic, 2016: 1)

آسیا آن همچنین می‌تواند از چارچوب‌های آسیا آن پلاس نظیر: آسیا آن پلاس مناطق تجارت آزاد با کشورهای مختلف (آسیا آن پلاس ۱)، آسیا آن پلاس ۳ (چین، ژاپن و کره جنوبی)، آسیا آن پلاس ۶ (چین، ژاپن، کره جنوبی، هند، استرالیا و نیوزیلند) و از این دست مجامع استفاده کند و نقش اقتصادی فرو منطقه‌ای خود را بهینه سازد. مطابق با چارچوب‌های آسیا آن پلاس، آسیا آن از اصل «منطقه‌گرایی باز» برای جذب سرمایه‌گذاری (جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) کشورهای غیر عضو در جنوب شرق آسیا استفاده می‌کند. این امر حداقل دو مرحله را شامل می‌شود: اول، آزادسازی تجارت بین کشورهای عضو به‌منظور افزایش تجارت درون‌منطقه‌ای و سپس استفاده از آن برای جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی کشورهای غیر عضو به کشورهای جنوب شرق آسیا (Verico, 2017: XIV).

منطقه‌گرایی آسیا آن پدیده‌ای مستمر است که ویژگی کنونی آن، تمرکز بر حوزه‌های اقتصادی، تجارت و سرمایه‌گذاری است. کشورهای عضو آسیا آن در اواسط دهه ۱۹۷۰ دریافتند که همکاری‌های اقتصادی، به‌ویژه همگرایی و منطقه‌ای شدن بیشتر می‌تواند منافع آن‌ها را بهتر تأمین کند، به همین دلیل به‌سوی منطقه‌گرایی عمیق‌تر حرکت کردند و بر اساس رویکرد لیبرال که دیدگاهی درون به بیرون نسبت به منطقه‌گرایی دارد،

1. A25 ASEAN Economic Community Blueprint
2. Open-Regionalism



می‌توان منطقه‌گرایی آسه آن در دوره پسا نابودی تهدید کمونیسیم مخصوصاً از سال ۱۹۷۶ را در قالب این رویکرد تحلیل کرد. کشورهای منطقه در قالب آسه آن به تدریج پی بردند می‌توانند به صورت یک‌صدا درآمده و از این طریق نه تنها در مقابل قدرت‌های بزرگ اهرم چانه‌زنی به دست آورند، بلکه خواهند توانست منافع اقتصادی بیشتری را از طریق همکاری عاید خود سازند (از طریق تجارت درون منطقه‌ای و همچنین جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی). به همین ترتیب منطقه‌گرایی اولیه آسه آن که بر اساس تهدید خارجی و با رویکردی برون به درون (واقع‌گرایی) شکل گرفته بود، به تدریج جای خود را به منطقه‌گرایی قدیم در قالب صرفاً کشورهای منطقه و در اواخر دهه ۱۹۹۰ منطقه‌گرایی باز با اولویت همکاری فزاینده و کسب منافع اقتصادی (لیبرالیسم) داد.

۴. منطقه‌گرایی شورای همکاری خلیج فارس

منطقه‌گرایی شورای همکاری خلیج فارس در قالب دو مرحله کلی شکل‌گیری و تعمیق و توسعه آن قابل تقسیم است. با رویکردی توصیفی-تحلیلی چگونگی و چرایی یعنی تاریخ و محرک‌های اصلی شکل‌گیری و همچنین گسترش این سازمان تشریح و تحلیل می‌شود. به عبارت دیگر سعی می‌شود به صورت توصیفی تاریخ شکل‌گیری و توسعه شورای همکاری خلیج فارس تشریح شود و به دنبال آن با به کارگیری چارچوب نظری به تحلیل پدیده منطقه‌گرایی شورای همکاری خلیج فارس پرداخته می‌شود. تلفیق این دو رویکرد باعث می‌شود در وهله اول درک عمیق‌تری نسبت به علل و مراحل رشد منطقه‌گرایی این سازمان به دست آوریم و در وهله بعد مناسبات کنونی آن بر ما آشکار خواهد شد.

۴-۱. شکل‌گیری منطقه‌گرایی بین کشورهای حوزه خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس نیز همانند آسه آن پیشینه‌ای تاریخی دارد و به تدریج ایجاد شده است، به نحوی که کشورهای حوزه خلیج فارس با کسب تجربه‌های مختلف به سمت منطقه‌گرایی حرکت کردند. نمی‌توان از این واقعیت غافل شد که در میان تمام سازمان‌های موجود بعد از جنگ جهانی دوم و دربرگیرنده کشورهای خلیج فارس هیچ سازمان منطقه‌ای وجود نداشت که منحصرأ با خلیج فارس به عنوان یک واحد سیاسی،

اقتصادی، فرهنگی یا زیست‌محیطی سروکار داشته باشد. تلاش برای ایجاد نوعی چارچوب همکاری برای خلیج فارس متعلق به اواخر دهه ۱۹۶۰ است. اما این تلاش‌های اولیه عمدتاً به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای، به‌ویژه بین ایران و عراق عقیم می‌ماند. سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز در مواجهه با مخالفت ایرانی و عراقی، ایجاد روابط مشترک رسمی میان خود را دشوار می‌دیدند. به همین ترتیب، سطح نسبتاً پایین تنش‌های منطقه‌ای انگیزه همکاری این کشورها را مهار می‌کرد. امارات متحده عربی خود یک تلاش موفق برای جلوگیری از پاره‌پاره شدن حداکثری بود. با این حال، قطر و بحرین به‌جای پیوستن به موافقت‌نامه فدراسیون در فوریه ۱۹۶۸ با هفت کشور حوزه خلیج فارس تصمیم به استقلال گرفتند (Abasfoor, 2007: 29). زمینه شکل‌گیری این سازمان منطقه‌ای به صورت مشخص به اعلام خروج انگلیس در سال ۱۹۶۸ برمی‌گردد که طبق آن تا پایان سال ۱۹۷۱ این قدرت بزرگ از منطقه خارج می‌شد و خلأ قدرت موجود کشورهای کوچک منطقه را دچار نگرانی می‌کرد (Abdulkhaleq, 2012: 107).

شبه‌جزیره و خلیج فارس مانند: کشورهای مصر (۱۹۵۴)، عراق (۱۹۵۸)، یمن جنوبی (۱۹۶۷) و سرانجام خلیج فارس (۱۹۷۱) آخرین مناطقی بودند که انگلیس از آن‌ها خارج شد (Reyadh, 2007: 19). رویکرد کشورهای محافظه‌کار عربی حاشیه خلیج فارس نزدیک به یک دهه پس از عقب‌نشینی تاریخی نیروهای انگلیس از این منطقه، حفظ وضع موجود بود، به‌هرحال این وضعیت به نسبت پایدار با انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای ناشی از آن از بین رفت. با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران یعنی: موضع ضد سلطنتی و ضد ایالات متحده آن، این کشورها به دنبال مسیر جایگزینی برای حفظ امنیت خود بودند. سقوط شاه نیز به وضوح اعتبار آمریکا را به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد امنیتی تضعیف کرد. علاوه بر انقلاب، حمله شوروی به افغانستان و ایجاد نیروی دفاعی منطقه‌ای توسط ایالات متحده، نگرانی پادشاهان محافظه‌کار نسبت به ثبات و امنیت رژیم‌هایشان را بیشتر کرد. در نهایت، شروع جنگ بین عراق و ایران و ترس از سرایت آن به منطقه، دولت‌های محافظه‌کار عربی را به سمت منطقه‌گرایی و همکاری سوق داد. تحولات مذکور، عربستان سعودی موقعیت خود را تحکیم کرد و به‌عنوان

رهبر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ظاهر شد. در ۲۵ مه ۱۹۸۱، بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، شورای همکاری دول خلیج فارس یا همان طور که عموماً شناخته می‌شود، شورای همکاری خلیج فارس را تأسیس کردند (Cammett, 1999: 385; Kechichian, 1985: 853; Wang & Yu, 2014: 102; Aarts, 1999: 912; Pasha, 2012: 90). سابقه عملی و تجربی ایجاد سازمان همکاری خلیج فارس نیز برخی ابتکارها و موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای را شامل می‌شود که کشورهای منطقه بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد کردند و در نهایت این همکاری‌ها به سازمان کنونی ختم شد.

ایده خلیج فارس از زمان خروج انگلیس، از سوی ایران، عراق و عربستان سعودی به طرز حیرت‌انگیزی پیش رفته بود. اما هیچ اشتیاقی در بین کشورهای کوچک‌تر برای چارچوبی که تأثیر اصلی آن پیشبرد هامونی ایران یا عراق در خلیج فارس باشد، وجود نداشت. در سال ۱۹۷۵، عربستان سعودی، کویت، امارات و قطر سازمان صنایع عربی را تأسیس کردند (تلاشی مشترک برای ایجاد کارخانه‌های تسلیحات تحت کنترل عرب در مصر)، اما این پروژه در واکنش به کمپ دیوید لغو شد. عربستان سعودی همچنان به ارتقاء یک چارچوب سیاسی ادامه داد تا بتواند در آن نقش غالب را بازی کند. سفرهای خلیج فارس پادشاه سعودی خالد در مارس ۱۹۷۶ و وزیر کشور در اکتبر ۱۹۷۶ منجر به توافق با سطح بسیار پایینی برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات و امنیت داخلی شد. در حوزه اقتصادی، سازمان مشاوره صنعتی خلیج فارس آبا حضور عراق در نوامبر ۱۹۷۶ تشکیل و ایده بازار مشترک خلیج فارس یک سال بعد پیشنهاد شد (Reyadh, 2007: 29). مدت‌ها قبل از ایجاد شورای همکاری خلیج فارس، شش کشور در مورد شکل‌گیری نوعی گروه‌بندی منطقه‌ای گفتگو کرده بودند. از اوایل سال ۱۹۷۶، وزرای خارجه اعضای فعلی شورای همکاری خلیج فارس به‌علاوه ایران و عراق، به دعوت عمان در مسقط ملاقات کرده بودند تا یک سیاست مشترک امنیتی و دفاعی منطقه‌ای را در نظر بگیرند. وزرا نتوانستند نسبت به موضع مشترک به توافق برسند و این ایده از بین رفت.

1. Aab Industries Organization
2. Persian Gulf Organization for Industrial Consultancy

متعاقباً در همان سال، شیخ جابر آل احمد^۱ (حاکم وقت ۲۰۰۴ کویت) ولیعهد و نخست‌وزیر آن زمان، پیشنهاد ایجاد اتحادیه خلیج فارس را داد. در سال ۱۹۷۸، (در سال ۲۰۰۴، ولیعهد و نخست‌وزیر وقت کویت) شیخ سعد العبدالله الصباح^۲ سفری رسمی به بحرین، امارات و عمان انجام داد. قبل از عزیمت، شاهزاده اعلام کرد: «کویت چارچوب کاملی برای همکاری بین همه کشورهای عرب خلیج فارس در شرایط سیاسی کنونی دارد». مذاکرات جدی از سال ۱۹۷۹ آغاز شد، در اجلاس عربی امان^۳ (اردن)، حاکم کویت شیخ جابر آل احمد با دیگر رهبران کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تماس گرفت و برخی اندیشه‌ها راجع به ایجاد اتحادیه در میان خودشان را پیشنهاد داد و در سال ۱۹۸۰ مؤسسات سیاسی کشورهای عربی رسماً در مورد این موضوع به صورت رسمی بحث کردند. جلسه وزرای خارجه خلیج فارس در تاریخ ۴ تا ۵ فوریه ۱۹۸۱ پیشنهادات کویت را برای ایجاد شورای همکاری کشورهای عربی خلیج فارس بررسی کرد که چارچوبی برای همکاری، هماهنگی و ادغام در امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مالی فراهم می‌کرد. پس از جلسه بعدی وزرای امور خارجه ۹ و ۱۰ مارس در مسقط، روسای کشورهای عضو شورای همکاری (بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی) شورای همکاری دول خلیج فارس یا همان طور که عموماً شناخته می‌شود، شورای همکاری خلیج فارس را تأسیس کردند. اولین نشست اجلاس سران در ۲۵ و ۲۶ مه ۱۹۸۱ در ابوظبی برگزار شد. در روز اول اجلاس سران، پیکر شورای جدید را تصویب کردند (Reyadh, 2007: 30)؛ صادقی اول و نقدی عشرت‌آباد، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۵۲).

همان‌طور که ذکر آن گذشت شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس با دیدگاهی برون به درون به معنی وجود تهدید امنیتی برای کشورهای منطقه همراه بود، به نحوی که شش کشور عضو این سازمان با مشاهده تهدیدهای امنیتی همچون خلأ قدرت ایجادشده توسط انگلیس، انقلاب اسلامی ایران و جنگ ایران و عراق به سمت منطقه‌گرایی حرکت کردند. منطق ایجاد این سازمان واقع‌گرایانه بوده و هراس امنیتی کشورهای عضو از

1. Siekh Jaber al Ahmad
2. Sheikh Saad Al-Abdullah Al-Sabah
3. Aman

سرایت دیدگاه‌های انقلابی ایران منجر به همگرایی منطقه‌ای آن‌ها شده است. به تدریج نیز کشورهای شورا به این نتیجه رسیدند که همکاری‌ها باید افزایش یابد و برخی از ابتکارها جهت ادغام و همکاری بیشتر اجرایی شد.

۲-۴. تعمیق منطقه‌گرایی در شورای همکاری خلیج فارس

در نوامبر ۱۹۸۱، رهبران شورای همکاری خلیج فارس موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی^۱ را منعقد کردند، که جایگزین موافقت‌نامه‌های دوجانبه سابق شد و برخی از جزئیات اهداف اصلی و اقدامات همکاری اقتصادی را تعیین کرد. موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی در ژانویه سال ۱۹۸۲ لازم‌الاجرا شد و مبنای قانونی بخش عمده‌ای از روند ادغام شورای همکاری خلیج فارس باقی ماند تا اینکه ۲۰ سال بعد در سال ۲۰۰۱ با انعقاد موافقت‌نامه اقتصادی جدید بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در مسقط جایگزین شد (Sturm & Siegfried, 2005: 24). اما این موافقت‌نامه که هدف آن ایجاد بازار مشترک تا اواخر دهه ۱۹۸۰ بود به دلیل مشکل ایجاد قوانین اجرایی لازم راه به جایی نبرد. منافع محلی مانعی برای دستیابی به ادغام باقی ماند. شرکت سرمایه‌گذاری خلیج فارس^۲ در نوامبر ۱۹۸۲ و با سرمایه ۲/۱ میلیارد دلار که به‌طور مساوی توسط دولت‌های عضو پرداخت شده بود، ایجاد شد. این شرکت به‌عنوان ابزاری برای اجرایی ساختن وعده آوردن اتحادیه خلیج فارس به مجامع تجاری به‌صورت ملموس تصور می‌شد (Twinam, 1992)، اما مقیاس عملکرد برای پیشرفت ادغام منطقه‌ای بسیار اندک بوده است. پس از گذشت تقریباً ۲۰ سال پیشرفت اندک، ولیکن در پاسخ به عملکرد اقتصادی ناپایدار دهه ۱۹۹۰، سرانجام در سال ۱۹۹۹ توافق بر سر ایجاد اتحادیه گمرکی تا سال ۲۰۰۵ حاصل شد و هدف آن تسریع ادغام اقتصادی بود (این تاریخ بعداً به ۲۰۰۳ کاهش یافت). علاوه بر این، در دسامبر سال ۲۰۰۱، موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی برای تسریع در روند اتحادیه اقتصادی و پولی تا حدود زیادی بازنگری شد. بر اساس این توافق‌نامه، به نام موافقت‌نامه اقتصادی بین کشورهای شورای همکاری

1. Unified Economic Agreement
 2. Gulf Investment Corporation (GIC)

خلیج فارس، تکمیل هدفمند اتحادیه گمرکی به ژانویه ۲۰۰۳ موكول شد. در قالب اتحادیه گمرکی تعرفه مشترك ۵ درصد نسبت به واردات خارجی (به‌استثنای کالاهایی نظیر: مواد غذایی اساسی، لوازم پزشکی و کالاهای واسطه‌ای) را شامل می‌شود، لغو الزامات تأییدی سابق برای واردات کالا به هر یک از دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس و بیانیه گمرکی واحد. درعین حال، شورای عالی موافقت کرد که دستورالعمل‌های اجرایی از جمله معیارهای همگرایی برای اتحادیه پولی تا سال ۲۰۰۵، تکمیل بازار مشترك تا سال ۲۰۰۷ و پذیرش ارز واحد تا سال ۲۰۱۰ را تنظیم کند (Takagi, 2012: 11,12). این مهلت به پایان رسیده است اما هیچ علامت مشخصی مبنی بر ایجاد ارز واحد در سال‌های آتی وجود ندارد. تأخیرهای موجود تا حدود زیادی به دلیل خروج امارات و عمان از موافقت‌نامه است. عمان نگرانی خود را نسبت به ناتوانی در رعایت برخی معیارهای اقتصادی اعلام کرد مانند کسری بودجه محدود به ۳ درصد از تولید ناخالص ملی، اما تاریخ دیگری را برای پیوستن مطرح ساخت. امارات متحده عربی اختلافات در مورد محل استقرار بانک مرکزی اعم از عربستان سعودی یا امارات را ذکر کرد، اما راه را برای پیوستن به موافقت‌نامه در آینده باز گذاشت (Shediac et al. 2011: 5).

نئولیبرالیسم از مقدمه این موافقت‌نامه مشخص است که اظهار می‌دارد: «افزایش سازوکارهای بازار و تقویت نقش بخش خصوصی» به‌صراحت به‌عنوان هدف اصلی توافق مطرح شده است. موافقت‌نامه همچنین دستیابی به مراحل پیشرفته ادغام اقتصادی را به‌عنوان پاسخی خاص به «تحولات اقتصاد جهانی اخیر» و باهدف بازار مشترك و اتحادیه اقتصادی و پولی در بین کشورهای عضو پیش‌بینی می‌کند. ادغام عمیق تا حدودی به‌عنوان پاسخ دفاعی در برابر تغییرات در اقتصاد جهانی تصور می‌شود، به این منظور که سرمایه‌گذاران شورای همکاری خلیج فارس بتوانند موقعیت مذاکره و ظرفیت رقابتی خود را در بازارهای بین‌المللی تقویت کنند. اهمیت این امر پذیرش آگاهانه بازسازی نهادی لازم در راستای شکل‌دهی مجدد روابط در مقیاس‌های ملی و منطقه‌ای است. با تعمیق ماهیت انباشت منطقه‌ای، موافقت‌نامه کشورهای عضو را از کنترل جریان سرمایه و کالاها در فضای درونی شورای همکاری خلیج فارس منع کرده و آن‌ها را وادار



به پیروی از سیاست‌های وضع شده در مقیاس منطقه‌ای می‌کند (Hanieh, 2010: 59). در بیست و یکمین کنفرانس سالانه در دسامبر سال ۲۰۰۰، سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با چندین اقدامات احتیاطی موافقت کردند که در نهایت منجر به اتخاذ راهبرد دفاعی مشترک شود. پیمان دفاعی متقابل به امضا رسید و در قالب آن حمله به یک کشور عضو، حمله به تمام کشورهای امضاکننده در نظر گرفته می‌شود. در عین حال، یک شورای امنیت شورای همکاری خلیج فارس به همراه یک شورای عالی نظامی تشکیل شد (Guzansky, 2014: 648).

جریان تجارت درون منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس با وجود رشد شدید در سال‌های اخیر، به نسبت اندک است. متوسط ارزش اسمی تجارت درون منطقه‌ای طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۸، حدود ۳۰ درصد در سال در مقایسه با ۶ درصد طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۰ افزایش یافته است. با این حال، سهم تجارت درون منطقه‌ای در حوزه تجارت غیرنفتی با کمتر از ۱۰ درصد نسبتاً بدون تغییر باقی مانده و امارات متحده عربی به عنوان منبع تجارت منطقه‌ای صدرنشین است. این رقم در مقایسه با سایر بلوک‌های تجاری نظیر: آسه آن (۲۳ درصد)، نفتا (۴۱ درصد) و ۱۵ عضو اتحادیه اروپا (۵۷ درصد) بسیار پایین و این امر بازتاب‌دهنده ضعف تکمیلی بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و رژیم‌های تجارت نسبتاً لیبرال است که از نظر تاریخی مشخصه اقتصادهای شورای همکاری خلیج فارس بود (Akhtar & Rouis, 2010: 2). این رقم در سال ۲۰۱۶ نیز ۱۰ درصد است و تغییری در آن مشاهده نمی‌شود (SIMF, 2018: 9). کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در بسیاری از شاخص‌های کلان اقتصادی همگرایی نشان می‌دهند و با تأسیس شورای پولی در سال ۲۰۰۹، پیش‌نیاز بانک مرکزی مشترک، گامی اساسی در جهت اتحادیه پولی برداشته‌اند. شوک‌های مشترک در شورای همکاری خلیج فارس مکرر هستند، زیرا ساختار اقتصادی این کشورها بسیار مشابه است (سلطه بخش هیدروکربن، اتکا به واردات نیروی کار، تعیین به دلار یا سبد حاوی دلار) (Espinoza, 2011: 355). در حقیقت، تجارت درون منطقه‌ای این سازمان از زمان تأسیس خود تا سال ۲۰۱۳ نزدیک به چهل برابر شده و به بیش از ۹۰ میلیارد دلار رسیده است. تجارت درون منطقه‌ای حدود ۸ درصد از کل تجارت شورا را در سال ۲۰۱۴ تشکیل

می‌داد. این رقم اندک است؛ با این حال، حجم کم تجارت درون منطقه‌ای معمولاً به شباهت ساختار اقتصادی کشورهای عضو و همچنین عدم تنوع صنعتی آن‌ها نسبت داده می‌شود (Al-Mawali, 2015: 538). تجارت درون منطقه‌ای از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ همچنان رو به کاهش بوده و در سال ۲۰۱۷ ۱/۶ درصد کاهش یافته است. تجارت درون منطقه‌ای از سال ۲۰۱۴ شاهد انقباض مداوم بوده است. به نظر می‌رسد مبادله تجاری درون منطقه‌ای تحت تأثیر کاهش کلی در واردات و صادرات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به دنبال کاهش قیمت نفت صورت گرفته است (GCC-STAT, 2018: 21). حجم تجارت درون منطقه‌ای در سال ۲۰۱۷ معادل ۱۲۳/۵ میلیارد دلار بوده که این رقم در سال ۲۰۱۸، ۱۹ درصد رشد و به ۱۴۷ میلیارد دلار یعنی به اوج خود رسیده است. آمار این سازمان در سال ۲۰۱۸ حاکی از آن است که سهم تجارت درون منطقه‌ای ۱۱/۸ درصد و سهم تجارت برون منطقه‌ای ۸۸/۲ درصد از کل تجارت شورای همکاری خلیج فارس را شامل می‌شود (GCC-STAT, 2019: 44-46). کشورهای شورای همکاری خلیج فارس گرچه سعی می‌کنند همکاری بین اعضا را گسترش دهند، اما همان‌طور که ارقام ارائه شد، نتوانسته‌اند پیشرفت زیادی داشته باشند. دهه اول ۲۰۰۰ ابتکارهایی جهت افزایش همکاری فی‌مابین ارائه و اجرا شد، ولیکن تحول ناچیزی در حوزه همکاری‌ها ایجاد کرده است. باید در نظر داشت که تشخیص سودمندی همکاری توسط اعضا موفقیت‌آمیز بوده، اما اولویت و دغدغه اساسی این نهاد همچنان تهدید امنیتی است. این امر گرچه همکاری‌های چندجانبه را افزایش داده، اما مورد قبول نبوده است.

۵. وجوه اشتراک و افتراق آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس

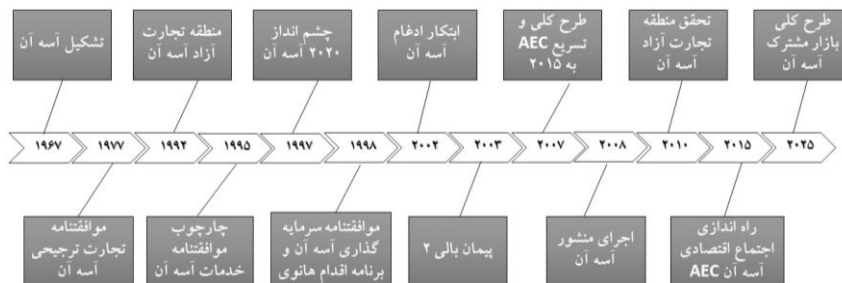
آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس تشابهات و تفاوت‌هایی را دارا هستند که برخی تشابهات آن‌ها: شکل‌گیری بر اثر تهدید خارجی، وجود کشوری قوی‌تر در بین آن‌ها (اندونزی و عربستان)، وجود کشورهایی که از همکاری کامل امتناع می‌کنند (کامبوج به دلیل سرمایه‌گذاری‌های چین و حمایت این کشور از چین در مقابل مسائل موجود در دریای جنوب چین و قطر به دلیل عدم تعطیلی شبکه الجزیره، پایگاه نظامی ترکیه و قطع

روابط با ایران) و چتر امنیتی ایالات متحده با وجود ادعای استقلال امنیتی است. برخی تفاوت‌های آن‌ها نیز: رویکرد دیپلماتیک قوی‌تر آسه آن نسبت به شورای همکاری خلیج فارس، در حوزه همکاری دفاعی آسه آن بر شبکه مدیریت منازعه و شورای همکاری خلیج فارس بر همکاری نظامی رسمی‌تر متمرکز است، از نظر عضویت آسه آن دیدگاهی برون‌نگر اتخاذ کرد و این امر در قالب آسه آن پلاس ۳ و آسه آن پلاس ۶ تبلور یافت، اما شورای همکاری خلیج فارس همچنان دیدگاهی درون‌نگر و منحصر به کشورهای همجوار خود دارد که حتی بین خود آن‌ها نیز اختلافات اساسی وجود دارد. کشورهای آسه آن از نظر نظام سیاسی تنوع بیشتری نسبت به شورای همکاری خلیج فارس دارد که اعضای آن کاملاً خودکامه و استبدادی هستند و مورد دیگر اینکه آسه آن از نظر جمعیت، وسعت و فرهنگ نسبت به شورای همکاری خلیج فارس بسیار بیشتر، وسیع‌تر و متنوع‌تر است (Acharya, 2008: 125-130). تفاوت‌های دیگری نیز در دو سازمان وجود دارد که در ادامه در قالب دو بخش اقتصادی و امنیتی به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱-۵. اشتراک و افتراق‌های اقتصادی

همان‌طور که در تصویر شماره ۱ می‌بینید، آسه آن گام‌های برجسته‌ای را در راستای منطقه‌گرایی برداشته، اما منطقه‌گرایی در نقاط مختلف جهان با موانع و چالش‌هایی مواجه است که نمی‌توان آن‌ها را برای ادامه این روند نادیده گرفت. مشکلی که می‌توان به روند منطقه‌گرایی آسه آن ایراد کرد تمرکز فعالیت‌های نهاد مذکور بر اقتصاد است و حوزه‌های سیاسی-امنیتی و فرهنگی نقشی حاشیه‌ای پیدا کرده است. با این حال در حوزه اقتصادی نیز آسه آن نتوانسته است انتظارات خود را برآورده سازد (گرچه برخی محدودیت‌های تجارت درون منطقه‌ای را از میان برداشته، اما تجارت درون منطقه‌ای در سال‌های اخیر رشدی نداشته است).

تصویر شماره ۱. سیر زمانی منطقه‌گرایی آسه آن ۲۰۲۵-۱۹۶۷



منبع: ترسیم از نویسندگان با استفاده از منابع (Woon, 2016: 10-14; Shediac et al., 2011: 7).

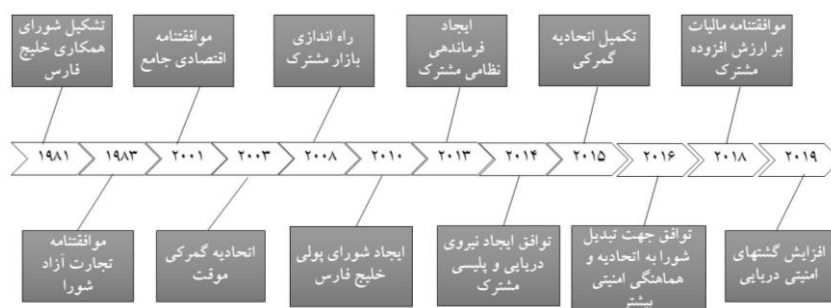
۲۱۳

تجارت درون منطقه‌ای آسه آن از دهه ۱۹۷۰ (که ۱۲ تا ۱۵ درصد از حجم کل تجارت آسه آن را تشکیل می‌داد) به صورت تصاعدی افزایش یافت و حتی تا اواسط دهه ۱۹۹۰، تجارت درون منطقه‌ای به ۲۵ درصد از کل تجارت آسه آن رسید. با وقوع بحران پولی و مالی آسیای شرقی، حجم تجارت درون منطقه‌ای آسه آن از ۲۲/۳ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۲۱/۲ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش یافت و اما از سال ۱۹۹۸ افزایش این شاخص تا سال ۲۰۰۸ یعنی آغاز بحران اقتصاد جهانی که به مرز ۲۷ درصد رسید، ادامه داشت. در سال بعد از بحران اقتصاد جهانی، تجارت درون منطقه‌ای آسه آن نزدیک به سه درصد کاهش یافت و تا سال ۲۰۱۲ در همین محدوده باقی ماند. بر اساس ارقام ثبت شده از عملکرد اقتصادی درون منطقه‌ای آسه آن، این شاخص در برهه‌های زمانی متفاوت نوساناتی را نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۰۸ پیوسته رشد داشته و بعد از بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸، تجارت درون منطقه‌ای آسه آن نه تنها رشد چندانی نکرده؛ بلکه کاهش نیز یافته است. تجارت کالا بین کشورهای آسه آن نیز اگرچه با نوساناتی، روندی صعودی را طی می‌کند. تجارت درون منطقه‌ای کالا از سال ۲۰۰۰ که نزدیک به ۱۶۰ میلیارد دلار بوده (رمضانی و معین‌آبادی، ۱۳۹۸: ۶۶۹-۶۷۸) به بیش از ۶۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده که برای سومین سال متوالی روی ۲۳ درصد مانده است (ASEAN Secretariat, 2020). در اینجا منظور حجم تجارت نیست، بلکه هدف میزان رشد درصدی تجارت درون منطقه‌ای در مقابل سازمان‌های دیگری نظیر نفتا و اتحادیه اروپا است. باید این نکته را در نظر داشت که حجم تجارت درون منطقه‌ای آسه آن پیوسته افزایش یافته، اما سهم و نسبت (درصد) تجارت درون منطقه‌ای در مقابل تجارت

برون منطقه‌ای افزایش نیافته است. تجربه منطقه‌گرایی آسه آن ویژگی منحصر به فرد خود را نشان می‌دهد و نمی‌توان برای آن نسخه پیچید، کما اینکه با گذشت زمان این امر رنگ ببازد و افزایش همکاری اقتصادی مشکل مورد نظر را مرتفع سازد.

بر اساس تصویر شماره ۲، شورای همکاری خلیج فارس نیز روندی تاریخی را برای منطقه‌گرایی و همکاری درون منطقه‌ای پشت سر گذاشته است. این سازمان با وجود اینکه دول عضو ساختار مشابه تری (به لحاظ سیاسی و اقتصادی) نسبت به کشورهای عضو آسه آن دارند، اما موفقیت‌های به نسبت کمتری را کسب کرده است.

تصویر شماره ۲. سیر زمانی منطقه‌گرایی شورای همکاری خلیج فارس



منبع: ترسیم از نویسندگان با استفاده از منابع (Shediac et al. 2011: 7; Gallagher, 2016: 11; timelinesdb, 2020)

در سال ۲۰۱۸ تجارت درون منطقه‌ای آسه آن ۶۵۰ میلیارد دلار (۲۳ درصد) (ASEAN Secretariat, 2020) و تجارت درون منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس ۱۴۷ میلیارد دلار (۱۱/۸ درصد) از حجم کل تجارت آنها است (GCC-STATS, 2019). از نظر میزان نهادینگی نیز سه شاخه اجرایی آسه آن یعنی اجتماع امنیتی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی سازوکارهای انسجام دهنده به فعالیت‌های این نهاد است (رمضانی و معین‌آبادی، ۱۳۹۸: ۴۷۸)، در مقابل شورای همکاری خلیج فارس فاقد چنین نهادهایی است. در حوزه تجارت و اقتصاد اعضای شورای همکاری خلیج فارس بیشتر صادراتی نفت محور دارند (در سال ۲۰۱۸، ۶۸/۸ درصد صادرات نفتی و ۳۱/۲ درصد صادرات غیرنفتی) (GCC-STATS, 2019)، اما اعضای آسه آن عمدتاً کشورهای با الگوی صادرات محصولات غیرنفتی هستند و تولید (هرچند محصولات و کالاهای اولیه و نیمه‌صنعتی) زمینه اصلی تولید ناخالص داخلی آنها است (ASEAN Secretariat,

(2020). به همین ترتیب آسه آن برخلاف شورای همکاری خلیج فارس که اغلب نفت صادر می‌کند (درعین حال کشورهای توسعه‌نیافته هستند و بنابراین برای تولید کالا به مواد خام نیاز ندارند)، تا حدود ممکن می‌تواند برخی نیازهای خود را درون منطقه‌ای رفع کند. یکی دیگر از نقاط افتراق این دو سازمان حجم تولید ناخالص داخلی است که در سال ۲۰۱۸ آسه آن ۲/۷ تریلیون و شورای همکاری خلیج فارس ۱/۱ تریلیون دلار را ثبت کرده‌اند (ASEAN Secretariat, 2020; GCC-STATS, 2019).

شورای همکاری خلیج فارس به دلیل نقش نفت و گاز در الگوهای تجارت با سایر نقاط جهان بسیار بیشتر از خاورمیانه و شمال آفریقا ادغام شده است. با این حال ادغام از طریق بازارهای کار در خاورمیانه و شمال آفریقا، به‌ویژه برای کشورهای مشرق و مصر قابل توجه است. پیوندهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از شورای همکاری خلیج فارس به بقیه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز مهم‌اند، زیرا ادغام شورای همکاری خلیج فارس در شرایط نسبتاً مشابه کشورهای عضو اتفاق می‌افتد، در حالی که سازوکارها و محرک‌های ادغام تا حدودی متفاوت از سایر بلوک‌های منطقه‌ای دارای عضویت متنوع‌تر است (IBRD, 2010: 1).

۲-۵. اشتراک و افتراق‌های سیاسی-امنیتی

کشورهای آسه آن نیز همانند شورای همکاری خلیج فارس برخی منازعات ارضی و مرزی دارند. این کشورها بر سر برخی جزایر در دریای جنوب چین منازعاتی را طی تاریخ‌های متوالی داشته‌اند. ۵ کشور مالزی، اندونزی، برونئی، فیلیپین و ویتنام ادعاهایی را بر سر جزایر مشخص در دریای جنوب چین (عباس زاده و رمضان، ۱۳۹۶)، دو کشور تایلند و کامبوج نیز اختلافاتی بر سر حوزه معبد پری و بهیر دارند (Putra, 2019: 38). با این حال آسه آن باهدف افزایش همکاری، برخی سازوکارها را تعبیه کرده است. رهبران آسه آن در سال ۱۹۷۱ منطقه صلح، آزادی و بی‌طرفی (زوپفان)؛^۱ در ۱۹۷۶ پیمان مودت و همکاری (تاک)؛^۲ و بالی‌را امضا کردند که هنجارهای اساسی نظیر: حل و فصل

1. Beah Vihear Temple Area
2. Zone of Peace, Freedom, and Neutrality (ZOPFAN)
3. Treaty of Amity and Cooperation (TAC)
4. Bali Concord

مسالمت‌آمیز اختلافات، منع استفاده یا تهدید به زور در روابط بین دولتی و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر در منطقه را تعیین می‌کرد. دو پیمان اخیر بر امنیت درون منطقه‌ای متمرکز بودند و اهداف زوپفان را پوشش می‌دادند (Koga, 2014: 18). پیمان جنوب شرق آسیای عاری از سلاح هسته‌ای (پیمان بانکوک) سال ۱۹۹۵، اعلامیه رفتار طرفین در دریای جنوب چین (دوک) آذر سال ۲۰۰۲ و منشور ۲۰۰۸ آسه آن بر تعهد این نهاد برای ایجاد اجتماعی صلح‌آمیز و مرفه تأکید می‌کند. از سال ۲۰۰۹ این اهداف در قالب نقشه راه اجتماع سیاسی-امنیتی آسه آن (که در سال ۲۰۱۵ ایجاد شده است) دنبال می‌شود. سازوکارهای امنیت محور دیگر مثل: مجمع منطقه‌ای آسه آن، نشست وزیران آسه آن در مورد جرائم فراملی، نشست وزیران دفاع آسه آن و نشست وزیران آسه آن در مورد مواد مخدر برای رفع چالش‌های امنیتی-سیاسی موجود تعبیه شده است (ASEAN Secretariat, 2015: 9).

در نقطه مقابل شورای همکاری خلیج فارس نیز ابتکارهایی را جهت افزایش همکاری‌های سیاسی-امنیتی درون منطقه‌ای ارائه و اجرایی کرده است. به‌عنوان اولین قدم اعضای این سازمان در سال ۱۹۸۶ تصمیم گرفتند نیروهای حافظ شبه‌جزیره را ایجاد کنند (اما به صورت رسمی تا سال ۲۰۱۱ ایجاد نشد). در سال ۱۹۹۰ رهبران شورا پیرو تجاوز عراق به کویت، به ناکافی بودن ترتیبات امنیتی این سازمان اذعان کرده و اعلامیه دوحه را با همین محتوا منتشر کردند. در سال ۲۰۰۰ پیمان دفاعی مشترک بین ۶ عضو ایجاد شد. شورا همچنین شورای دفاع مشترک و کمیته نظامی برای نظارت بر همکاری ایجاد کرد (Koch, 2010: 26-28). در سال ۲۰۱۳ نیز تصمیم ایجاد فرماندهی نظامی مشترک با نیروی نزدیک به ۱۰۰ هزار نفری اتخاذ شد. در سال ۲۰۱۴ نیز اعضا بر سر ایجاد نیروی دریایی و پلیسی مشترک توافق کردند. این سازمان در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۹ به ترتیب برای هماهنگی امنیتی بیشتر و افزایش گشت‌های دریایی تصمیماتی را گرفت (timelinesdb, 2020).

علیرغم علاقه شدید به همکاری، دولت‌های شورای همکاری خلیج غالباً برای عبور از سد حساسیت‌های حاکمیتی به بحران نیاز دارند. این بحران‌ها مانند: جنگ خلیج فارس

1. Southeast Asian Nuclear-Weapon-Free Zone Treaty (SEANWFZ)
2. Conduct of Parties in the South China Sea (DOC)

۱۹۹۰-۱۹۹۱ یا قیام ۲۰۱۱ در بحرین، به دوره‌هایی از انسجام شدید شورای همکاری خلیج منجر شد که شش کشور به همکاری نزدیک‌تر پرداختند تا با تهدیدهای بیرونی مقابله و از نظام‌های سلطنتی خود در برابر مخالفت داخلی محافظت کنند. اما این همکاری پایدار نیست و توسعه نهادی شورای همکاری خلیج فارس در حالی که سرشار از چنین پروژه‌های جالب توجهی از جمله: ایجاد نیروی حافظ شبه جزیره او بازار مشترک است، اغلب سطح ادغام را بیش از حد واقعی آن نشان می‌دهد. این الگو حاکی از آن است که فقدان تغییر در اولویت‌های رهبران شورای همکاری خلیج فارس، افزایش اندک همکاری به جای اینکه محصول تلاش مداوم باشد، در واکنش به شوک‌هایی خواهد بود که امنیت یا ساختارهای سیاسی این دولت‌ها را تهدید می‌کند (Martini et al. 2016: 5). اختلافات سیاسی شدید در این سازمان مانع اصلی گسترش همکاری‌های امنیتی-سیاسی است به نحوی که حمله به یمن تحت ائتلاف سعودی، عدم همراهی عمان، قطر و کویت در این حادثه که همچنان نیز در جریان و محاصره قطر اختلافات اعضا را بیشینه ساخته است.

جدول شماره ۱. تطبیق منطقه‌گرایی آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس	آسه آن	ابعاد تطبیق نهاد
۱۹۸۱	۱۹۶۷	سال تأسیس
واقع‌گرایانه و تهدید امنیتی (انقلاب ایران، خروج انگلیس از منطقه یا خلاً قدرت و جنگ ایران و عراق)	واقع‌گرایانه و تهدید امنیتی (تهدید نفوذ کمونیسم و تحریک ایالات متحده)	علل محرک تشکیل
تمرکز بر حوزه‌های سیاسی-امنیتی و تلاش جهت ادغام اقتصادی بیشتر	تمرکز بر اقتصاد و تعبیه برخی سازوکارهای سیاسی-امنیتی و فرهنگی	تمرکز همکاری (با توجه به عینیت و نه توافقات)
کمتر	بیشتر	میزان نهادینگی (با در

1. Peninsula Shield Force (PSF)

		نظر گرفتن سطح همکاری، نهادهای موجود و قواعد ایجاد شده بین کشورها)
اتحادیه گمرکی	بازار مشترک (ناقص)	سطح کنونی منطقه‌گرایی
واقع‌گرایی با لحاظ کردن لیبرالیسم	گذر از واقع‌گرایی به لیبرالیسم	وضعیت منطقه‌گرایی فعلی

منبع: ترسیم از نویسندگان

جدول شماره یک، ابعاد گوناگون منطقه‌گرایی آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس را نشان می‌دهد. زمینه شکل‌گیری هردو نهاد مشترک یعنی تهدید خارجی و امنیت محور بوده است و واقع‌گرایی جهان‌بینی مؤسس آن‌ها محسوب می‌شود. منطقه‌گرایی هردو نهاد نیز در مرحله بازار مشترک قرار دارد که نمی‌توان آن را کامل دانست و سازوکارهایی را برای تکمیل این مرحله می‌طلبند. با این حال آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس تفاوت‌هایی نیز باهم دارند که به صورت خلاصه می‌توان سطح نهادینگی پیچیده و بیشتر آسه آن نسبت به شورای همکاری خلیج فارس را ذکر کرد. آسه آن شاخه‌های مجزایی را به وجود آورده و در قالب آن‌ها به منطقه‌گرایی عمق بیشتری می‌بخشد، در حالی که شورای همکاری خلیج فارس از این نظر نسبت به آسه آن کمبودهای محسوسی دارد. وجه قالب همکاری در آسه آن اقتصادی است و اعضای آن اهمیت بیشتری برای این حوزه (با توجه به عینیت‌های موجود) قائل‌اند. شورای همکاری خلیج فارس نیز (حتی با رجوع به موضوع نشست‌های آن) ثابت کرده است که نگرانی بیشتری نسبت به امور سیاسی-امنیتی دارد و بر این حوزه متمرکز است. روند منطقه‌گرایی در آسه آن حاکی از گذار کارکردی است، به نحوی که آسه آن ابتدا با دغدغه تهدید خارجی نفوذ کمونیسم شکل گرفت، اما با انقضا کارکردی، آسه آن از بین نرفت و با در اولویت قرار دادن همکاری منطقه‌ای و لحاظ کردن اصول بازاری از واقع‌گرایی به لیبرالیسم گذار کرد. در نقطه مقابل شورای همکاری خلیج فارس نیز همانند آسه آن با دغدغه تهدید خارجی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت، ولیکن طی گذشت ۴ دهه از زمان تأسیس آن رویکرد امنیتی مذکور همچنان نقش غالب را در منطقه‌گرایی شورای

همکاری خلیج فارس دارد و با حفظ رویکرد اولیه، اصول لیبرالیسم و بازاری را نیز اتخاذ کرده است.

نتیجه‌گیری

سازمان و نهادهای منطقه‌ای تجربه‌ای مختص به خود رادارند و تطبیق جوانب و ابعاد منطقه‌گرایی آن‌ها چشم‌اندازهای فراخی را پیش‌روی ما می‌گشاید. منطقه‌گرایی آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس نیز از قاعده‌ای مشابه پیروی می‌کند. این دو نهاد نه تنها از نظر ویژگی اعضای آن‌ها، بلکه از نظر روند منطقه‌گرایی تفاوت‌هایی اساسی داشته‌اند. به همین ترتیب شباهت‌های منطقه‌گرایی آن‌ها گرچه ممکن، ولیکن تا حدودی دشوار می‌نماید. در رویکرد واقع‌گرایی، منطقه‌گرایی به صورت کلی برون‌گرا و به عبارتی برون‌زاد است. مراحل ابتدایی منطقه‌گرایی آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس در قالب رویکرد واقع‌گرایی قابل تبیین و در هردو مورد تهدید خارجی برای امنیت آن‌ها منجر به نزدیکی کشورهای عضو شده است. آسه آن با درک تهدید نفوذ کمونیسم و شورای همکاری خلیج فارس با مشاهده وضعیت تهدیدآمیز (انقلاب ایران، خلأ قدرت خروج بریتانیا از منطقه که تضمین‌کننده امنیت بود و جنگ ایران و عراق) منطقه‌گرایی را پیشه ساختند. انگیزه آن‌ها ایجاد توازن قدرت و با توسل به اصل خودیاری بود که این امر به آن‌ها مزیت صیانت از خود می‌داد. باگذشت زمان تهدید کمونیسم برای آسه آن رنگ باخت، اما شورای همکاری خلیج فارس همچنان در معضله امنیتی گیر کرده و احساس ناامنی دارد، باین وجود دو نهاد مزبور مسیر متفاوتی را در قالب منطقه‌گرایی در پیش گرفتند. البته باید متذکر شد که منطقه‌گرایی هردو نهاد از مراحل منطقه‌گرایی گذشته و اکنون در حال پیاده‌سازی بازار مشترک هستند، ولیکن تمرکز آسه آن بیشتر بر حوزه اقتصادی و تمرکز شورای همکاری خلیج فارس بیشتر سیاسی-امنیتی است. باینکه آسه آن نیز مانند اعضای شورای همکاری خلیج فارس با تهدید قدرت منطقه‌ای چون چین مواجه است، اما در دوره زمانی نزدیک به سه دهه همکاری و تعاملات دوجانبه، به‌ویژه در حوزه اقتصادی از نگرانی طرفین کاسته است و حتی برخی سازوکارهای حل بحران را تعبیه کرده‌اند. این امر در رابطه با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به



دلایل مختلف (قرار داشتن در منطقه متشنج، نگرانی از سرایت ناآرامی‌های منطقه‌ای و صدور انقلاب از جانب ایران به کشورهای عضو این نهاد که اکثراً پادشاهی و خودکامه هستند و نگرانی از قدرت‌یابی فزاینده ایران و شرکا آن‌که عدم تنش‌زدایی و ایجاد سازوکارهای حل بحران برافزایش آن دامن زده است) صورت نگرفته و باگذشت ۴ دهه از زمان شکل‌گیری، همچنان درگیر مباحث سیاسی-امنیتی است و صیانت از بقا اعضا اهمیت بسیاری در این نهاد دارد. در سال‌های اخیر نیز اختلافات بین کشورهای عضو چنددستگی ایجاد کرده و منجر به محاصره قطر در سال ۲۰۱۷ شده است. در این موقعیت کشورهای مثل عربستان، بحرین و امارات سیاستی یکسان را در مقابل قطر در پیش گرفتند و کشورهای عمان و کویت اعلام بی‌طرفی کردند. به‌رحال صرف‌نظر از تمرکز و اولویت‌بندی، ما شاهد رشد منطقه‌گرایی در قالب دو نهاد مذکور هستیم و می‌توان این امر را در مورد آسه آن، گذار کارکردی نام‌گذاری کرد. در قرن حاضر نهادهای منطقه‌ای طیف وسیعی از همکاری‌ها را شامل می‌شوند که آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس نیز از این اصل پیروی کرده و از اوایل دهه ۲۰۰۰ به سمت همکاری جامع حرکت کرده‌اند. آنچه دو نهاد را از یکدیگر متمایز می‌سازد نه تنها تفاوت در جهان‌بینی، بلکه شرایط محیطی حاکم بر دو منطقه است که به دلیل ثبات نسبی در جنوب شرق آسیا و بی‌ثباتی در خاورمیانه، اولویت‌بندی آن‌ها را متأثر ساخته است. اینکه روند منطقه‌گرایی آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس نیز چگونه ادامه خواهد داشت به عوامل مختلفی بستگی دارد که حداقل در مورد شورای همکاری خلیج فارس اظهار نظر دشوارتر است، باین‌حال به دلیل تک‌محصولی بودن اعضای شورای همکاری خلیج فارس و فقدان محوریت تولید، نمی‌توان در آینده نزدیک انتظار افزایش چشمگیر همکاری درون‌منطقه‌ای داشت. در رابطه با آسه آن نیز محدودیت‌هایی مانند عدم هماهنگی کامل اعضا نسبت به برخی مباحث سیاسی-امنیتی، توانایی متفاوت اعضا و جاذبه همکاری‌های فرا منطقه‌ای مانند چین، کره جنوبی، هند و غیره مانع منطقه‌گرایی بیشتر این نهاد است و گذشت زمان آشکار خواهد کرد که در مواجهه با موارد مذکور چگونه برخورد خواهد شد.

منابع

- افراسیاب پور، حامد (۱۳۹۳)، «تحلیل پویای امنیت شورای همکاری خلیج فارس»، **مجله سیاست دفاعی**، دوره ۲۲، شماره ۸۸، صص ۲۱۹-۱۸۵.
- اکبریان، رضا و شکری، محسن (۱۳۹۵)، «جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی اقتصادی در حوزه شورای همکاری خلیج فارس»، **سیاست جهانی**، دوره ۵، شماره ۲، صص ۲۰۸-۱۷۷.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و احمدی، حسن (۱۳۹۲)، «موانع همگرایی در شورای همکاری خلیج فارس از منظر ژئوپلیتیک»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۶، شماره ۴، صص ۸۸۲-۸۶۵.
- رمضانی، احمد و معین‌آبادی، حسین (۱۳۹۸)، «اقتصاد سیاسی همگرایی منطقه‌ای آسه آن»، **مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل**، دوره ۲، شماره ۲، صص ۴۸۶-۴۵۳.
- سازمند، بهاره و رمضانی، احمد (۱۳۹۸)، «منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا: آسه آن + ۳ یا آسه آن+۶؟»، **فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک**، دوره ۱۵، شماره ۵۳، صص ۲۰۶-۱۸۰.
- سازمند، بهاره (۱۳۸۶)، «بررسی همگرایی اقتصادی در میان اعضای آسه آن از منظر بین‌حکومت‌گرایی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۱، شماره ۳، صص ۵۳۲-۴۰۹.
- سلطانی، ناصر؛ خورشیدی، ناصر و معصومی، اکبر (۱۳۹۳)، «تحول در منطقه‌گرایی و ارزیابی جایگاه اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا»، **فصلنامه سیاست خارجی**، دوره ۲۸، شماره ۳، صص ۵۲۰-۵۰۱.
- صادقی اول، هادی و نقدی عشرت‌آباد جعفر (۱۳۹۳)، «روابط ایران و دژ منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس»، **سیاست جهانی**، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۸۲-۱۵۱.
- عباس زاده، مهدی و رمضانی، احمد (۱۳۹۶)، «سیاست چین در دریای جنوبی؛ سیاست قدرت و نفوذ دریایی»، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره ۶، شماره ۲، صص ۸۱-۵۹.
- کوشکی، محمدصادق و آزاد، امیر حامد (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی عملکرد اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس در چارچوب همگرایی منطقه‌ای»، **فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، دوره ۴، شماره ۱۰، صص ۸۸-۶۵.

کولائی، الهه، و سازمند، بهاره (۱۳۹۰)، «همگرایی منطقه‌ای در آسیا: تحلیل تطبیقی اکو و آسه آن در آسیا»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۳، شماره ۲۷، صص ۵۹-۸۰.

- Aarts, Paul (1999), "The Middle East: A Region without Regionalism or the End of Exceptionalism?", **Third World Quarterly**, Vol. 20, No. 5, pp. 911-925.
- Abdulkhaleq, Abdulla** (2012), "The Arab Gulf Moment", In: **The Transformation of the Gulf: Politics, Economics, and the Global Order**, edited by **David Held** and **Kristian Ulrichsen**, New York: **Routledge**, 106-124.
- Acharya, A. (2014), **The End of American World Order**. Cambridge: Polity.
- ASEAN Secretariat (2008), "ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook". ASEAN Secretariat, Available at: aseanstats.org/publication/asean-statistical-yearbook-2008/
- ASEAN Secretariat (2018), Available at: <http://asean.org/asean/asean-secretariat/>
- Wang, Bo & Yu, Zhen (2014), "The Gulf Regional Cooperation after the Cold War", **Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)**, Vol. 8, No. 1, Pp. 100-120.
- Buszynski, Leszek (1981), "SEATO: Why It Survived until 1977 and Why It Was Abolished", **Journal of Southeast Asian Studies**, Vol. 12, No. 2, pp. 287-296.
- Cammett, Melani (1999), "Defensive Integration and Late Developers: The Gulf Cooperation Council and the Arab Maghreb Union", **Global Governance**, Vol. 5, No. 3, pp. 379-402.
- Chia, Siow Yue (1997), "Regionalism and Subregionalism in ASEAN: The Free Trade Area and Growth Triangle Models", In: **Regionalism versus Multilateral Trade Arrangements**, Takatoshi Ito and Anne O. Krueger, University of Chicago Press, Pp. 275-312.
- Chia, Siow Yue (2011), "Association of Southeast Asian Nations Economic Integration: Developments and Challenges", **Asian Economic Policy Review**, No. 6, Pp. 43-63.
- Deutsch, K.W. (1957), **Political Community and the North Atlantic Area**, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Dosch, Jorn (2017), "The ASEAN Economic Community: Deep Integration or Just Political Window Dressing?", **Institute for East Asian Studies**, Vol. 5, No. 1, Pp. 25-47.
- Drysdale, Peter (2017), "ASEAN: The Experiment in Open Regionalism that Succeeded", In: **ASEAN@50: The ASEAN Economic Community into 2025 and Beyond**, Volume 5, Edited by Rebecca Sta. Maria, Shujiro Urata, & Ponciano S. Intal, Jr. Economic Research Institute for ASEAN and East Asia (ERIA).

- Espinoza, R., Prasad, A. & Williams, O. (2011), "Regional financial integration in the GCC", **Emerging Markets Review**, Vol. 12, No. 4, Pp. 354-370.
- Etzioni, A. (1965), **Political Unification: A Comparative Study of Leaders and Forces**, New York: Holt Rinehart and Winston.
- Fified, R.H. (1979), "National and Regional Interest in ASEAN Competition and Cooperation in International Politics", **Occasional Paper**, No. 57, Singapore: ISEAS.
- Guzansky, Y. (2014), "Defence Cooperation in the Arabian Gulf: The Peninsula Shield Force Put to the Test". **Middle Eastern Studies**, Vol. 50, No. 4, Pp. 640-654.
- Hagiwara, Yoshiyuki (1973), "Formation and Development of the Association of Southeast Asian Nations", **Institute of Developing Economies**, Volume11, Issue4, Pp. 443-465.
- Hanieh, A. (2010), "Khaleeji-Capital: Class-Formation and Regional Integration in the Middle-East Gulf". **Historical Materialism**, Vol. 18, No. 2, Pp. 35-76.
- Hill, Hal & Menon, Jayant (2010), "ASEAN Economic Integration: Features, Fulfillments, Failures and the Future", **Asian Development Bank ADB Working Paper Series on Regional Economic Integration**, No. 69, Pp. 1-34.
- International bank of Reconstruction and Development (IBRD) (2010), **Economic Integration in the GCC**, Washington DC: The World Bank.
- Jetin, Bruno & Mikic, Mia (2016), **ASEAN Economic Community: a model for Asia-wide regional integration?**, Palgrave Macmillan, Basingstoke: UK.
- Jetschke, Anja & Murray, Philomena (2012), "Diffusing Regional Integration: The EU and Southeast Asia", **West European Politics**, Vol. 35, No. 1, Pp. 174-191.
- Kechichian, Joseph A. (1985), "The Gulf Cooperation Council: Search for Security", **Third World Quarterly**, Vol. 7, No. 4, Pp. 853-881.
- Keling, Md. F., Som, Md. H., Saludin, Md. N., Shuib, Md. S. & Ajis, M. N. (2011), "The Development of ASEAN from Historical Approach, Canadian Center of Science and Education", **Asian Social Science**, Vol. VII, No. 7, Pp. 169-189.
- Keohane, Robert & Nye, Joseph (1989), **Power and Interdependence: World Politics in Transition**, Boston: Little, Brown and Company.
- Keohane, Robert O. (1984), **After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy**, Princeton: *Princeton* University Press.
- Kliem, Frederick (2019), **ASEAN Security Connectivity Regional Solutions to Regional Security Challenges**, Singapore: Konrad-Adenauer-Stiftung Ltd.
- Kobayashi, Kiyoshi; Abdul Rashid, Khairuddin; Furuichi, Masahiko & Anderson, William P. (2018), **Economic integration and regional development: the ASEAN economic community**, New York: Routledge

- Lee, Ji-Young (2017), "Contested American hegemony and regional order in postwar Asia: the case of Southeast Asia Treaty Organization", **International Relations of the Asia-Pacific**, Volume 0, 1–31.
- Manoli, Panagiota (2012), **The Dynamics of Black Sea Subregionalism**, London & New York: Routledge.
- Martini, J., Wasser, B., Kaye, D., Egel, D., & Ogletree, C. (2016), **The Outlook for Arab Gulf Cooperation**. Santa Monica, Calif: RAND Corporation.
- Nathan, K.S. (1988), "Malaysia: Reinventing the Nation", In: **Asian security practice: Material and ideational influences**, Edited by Muttiah Alagappa, New York: Stanford University Press, Pp. 513-548.
- Nye, Joseph S (1968), **International Regionalism: Readings**, Boston: Little, Brown.
- Pasha, A.K. (2012), "The Gulf Cooperation Council: a regional approach to peace, security and development", **Journal of the Indian Ocean Region**, Vol. 8, No. 1, Pp. 90-98.
- Pollard, Vincent K. (1970), "ASA and ASEAN, 1961-1967: Southeast Asian Regionalism", **Asian Survey**, Vol. 10, No. 3, pp. 244-255.
- Saravanamuttu, Johan (1983), **The dilemma of independence two decades of Malaysia's foreign policy 1957-1977**, Penang: Penerbitan Universiti Sains Malaysia.
- Shamshad Akhtar & Mustapha Rouis (2010), "Economic Integration in Mena: The GCC, The Maghreb, And The Mashreq", No. 33, World Bank.
- Shediak, Richard; Khanna, Parag; Rahim, Taufiq & Samman, Hatem A. (2011), **A Scorecard of GCC Economic Integration**, New York: Booz & Company, Ideation Center Insight.
- Solidum, Estrella D. (1974), **Towards a Southeast Asian Community**. Quezon City: University of the Philippines Press.
- Staff of the International Monetary Fund (IMF) (2018), **Gulf Cooperation Council Trade and Foreign Investment—Keys to Diversification and Growth in the GCC**, Washington, D.C.: International Monetary Fund.
- Sturm, Michael & Siegfried, Nikolaus (2005), "Regional Monetary Integration in the Member States of the Gulf Cooperation Council", **European Central Bank Occasional Paper Series**, No. 31.
- Takagi, Shinji (2012), "Establishing Monetary Union in the Gulf Cooperation Council: What Lessons for Regional Cooperation?", **ADB Working Paper Series**, No. 390, Asian Development Bank Institute.
- Twinam, J. W. (1992), **The Gulf, Cooperation, and the Council: An American Perspective**, Washington, DC: Middle East Policy Council.
- Verico, Kiki (2017), **The Future of the ASEAN Economic Integration**, London: Palgrave Macmillan.
- Walt, S. (2017), Realism and Security. *Oxford Research Encyclopedia of International Studies*. Retrieved 2 Jan. 2020, from <https://oxfordre.com/internationalstudies/view/10.1093/acrefore/9780190846626.001.0001/acrefore-9780190846626-e-286>.



- Woon, Walter (2016), **The ASEAN Charter: A Commentary**, Singapore: NUS Press.
- Yake, Yu (2008), "Theory and Practice of Regional Integration: A Comparative Study on the Cases of Gulf Cooperation Council and ASEAN", **Journal of Current Southeast Asian Affairs**, Vol. 27, No. 2, Pp. 41-74.
- Nye, Joseph S. (1965), "Patterns and Catalysts in Regional Integration", **International Organization**, Vol. 19, No. 4, Pp. 870-884.
- Russett, Bruce (1967), **International Regions and the International System. A Study in Political Ecology**, Chicago: Rand-MacNally.
- Sbragia, Alberta (2008), "Comparative Regionalism: What Might It Be?", **Journal of Common Market Studies**, No. 46, Pp. 29-49.
- Hettne, Bjorn & Söderbaum, Fredrik (2000), "Theorising the Rise of Regionness", **New Political Economy**, Vol. 5, No. 3, Pp. 457-474.
- Hurrell, Andrew (1995), "Explaining the Resurgence of Regionalism in World Politics", **Review of International Studies**, Vol. 21, No. 4, Pp. 545-566.
- Börzel, T. A. (2011), "Comparative Regionalism: A New Research Agenda", **KFG Working Papers**, No. 28, Berlin: Research College "The Transformative Power of Europe", Freie Universität Berlin.
- Boas, Morten; Marchand, Marianne H. & Shaw, Timothy M. (2003), "The Weave-World: The Regional Inter-weaving of Economies, Ideas and Identities", in: Söderbaum, Frederik & Shaw, Timothy M. (eds): **Theories of New Regionalism**, Basingstoke: Palgrave Macmillan, Pp. 197-210.
- De Melo, Jaime & Panagariya, Arvind (1995), "Introduction", in: de Melo, Jaime & Panagariya, Arvind (eds): **New Dimensions in Regional Integration**, Cambridge: Cambridge University Press, 3-21.
- Fawcett, Lousie & Hurrell, Andrew (1995), **Regionalism in World Politics: Regional Organization and International Order**, Oxford: Oxford University Press.
- Hettne, Bjorn; Inotai, Andras & Sunkel, Osvaldo (1999), **Globalism and the New Regionalism**, Basingstoke: Macmillan Press.
- Söderbaum, Fredrik (2015), "Early, Old, New and Comparative Regionalism: The Scholarly Development of the Field", **KFG Working Paper Series**, No. 64, Kolleg-Forschergruppe (KFG) "The Transformative Power of Europe", Freie Universität Berlin.
- Mansfield, Edward D. & Milner, Helen V. (1997), **The Political Economy of Regionalism**, New York, NY: Columbia University Press.
- Schulz, Michael; Söderbaum, Fredrik & Ojendal, Joakim (2001), **Regionalization in a Globalizing World. A Comparative Perspective on Actors, Forms and Processes**, London: Zed Books.
- Riggirozzi, Pia (2012), "Region, Regionness and Regionalism in Latin America: Towards a New Synthesis", **New Political Economy**, Vol. 17, No. 4, Pp. 421-443.
- Riggirozzi, Pia & Tussie, Diana (2012), **The Rise of Post-Hegemonic Regionalism. The Case of Latin America**, Dordrecht: Springer.

- Telo, Mario (2013), **European Union and New Regionalism. Competing Regionalism and Global Governance in a Post-Hegemonic Era**, Aldershot: Ashgate.
- Leuffen, Dirk/Rittberger, Berthold/Schimmelfennig, Frank (2013), **Differentiated Integration: Explaining Variation in the European Union**, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Vivares, Ernesto (2013), **Exploring the New South American Regionalism (NSAR)**, Aldershot: Ashgate.
- Lenze, Nele & Schriwer, Charlotte (2014), **Converging Regions: Global Perspectives on Asia and the Middle East**, Aldershot: Ashgate.
- Katzenstein, Peter J. (2005), **A World of Regions: Asia and Europe in the American Imperium**, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Salloukh, Bassel F. & Brynen, Rex (2004), **Persistent Permeability? Regionalism, Localism, and Globalization in the Middle East**, Aldershot: Ashgate.
- Harders, C. & Legrenzi, M. (2008), **Beyond regionalism? Regional cooperation, regionalism and regionalization in the Middle East**. Aldershot, England: Ashgate Pub. Co.
- Baldersheim, Harald; Haug, Are Vegard & Øgård, Morten (2011), **The Rise of the Networking Region: The Challenges of Regional Collaboration in a Globalized World**, Aldershot: Ashgate.
- Alasfoor, R. (2007), **The Gulf Cooperation Council: Its Nature and Achievements**. Department of Political Science, Lund University.
- GCC-STAT (2018), **Economic Performance and Outlook for the Gulf Cooperation Council (GCC)**, Muscat: GCC Statistical Center.
- Al-Mawali, Nasser (2015), "Intra-Gulf Cooperation Council: Saudi Arabia Effect", **Center for Economic Integration**, Vol. 30, No. 3, Pp. 532-552.
- Acharya, Amitav (2008), **Asia Rising: Who is Leading?**. Singapore: World Scientific Publishing Co.
- ASEAN Secretariat. (2020), Available at: <http://asean.org/asean/asean-secretariat/>.
- Gallagher, Gerard (2016), **Strength in unity: Making the GCC the sixth largest economy in the world**, UK: Ernst & Young Global.
- Timelinesdb (2020), "GCC", Available at: <http://timelinesdb.com/listevents.php?subjid=1510&title=GCC>.
- Putra, Bama Andika; Darwis & Burhanuddin. (2019), ASEAN Political-Security Community: Challenges of Establishing Regional Security in the Southeast Asia, *Journal of International Studies*, Vol. 12, No. 1, Pp. 33-49.
- Koga, Kei (2014), "Institutional transformation of ASEAN: ZOPFAN, TAC, and the Bali Concord I in 1968–1976", **The Pacific Review**, Vol. 27, No. 5, Pp. 1-25.
- ASEAN Secretariat (2015), **ASEAN Security Outlook**, Jakarta: ASEAN Secretariat.
- Koch, Christian (2010), "The GCC as a Regional Security Organization", **KAS International Reports**, No. 11, Pp. 23–35.